

بررسی تعاملات اقتصادی- اجتماعی کازرون و بوشهر در دوره قاجار

مجتبی محمدی^۱

چکیده

جایگاه بوشهر به عنوان بندری اقتصادی و معتبر که نقشی اساسی در ترازنیت بین الملل به عنوان تکیه گاه تجاری ایران در دوران قاجار ایفا نمود. این شهر را به یکی از کانون‌های مهم بازرگانی، و بندری پیشرو در زمینه اقتصاد و تجارت خلیج فارس مطرح ساخت. با برخورداری از چنین جایگاهی بندر بوشهر به عنوان مقصدی مهم برای مهاجران داخلی، بویژه مهاجران کازرونی تلقی گشت. علاوه بر کازرونی ها مهاجران دیگری همچون؛ دهدشتی‌ها، بهبهانی‌ها، شیرازی‌ها و سایر گروه‌ها و اقلیت‌ها نیز به این بندر مهاجرت کردند و در فعالیت‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی این شهر سهم مهمی را به خود اختصاص دادند. مهاجران کازرونی به صورت فردی و گروهی در سه مقطع تاریخی که از پایان زندیه تا ابتدای قاجاریه و از تأسیس قاجاریه تا مشروطیت و از مشروطیت تا پایان حکومت قاجار را شامل می‌شد به بوشهر مهاجرت نمودند. دلایل این مهاجرت را با بررسی و تحلیل منابع تاریخی می‌توان با عواملی چون؛ بروز عدم امنیت در برخی از مقاطع تاریخی، قحطی‌ها و خشکسالی‌های متناوب، نحوه عملکرد برخی از والیان فارس و خوانین منطقه که در پاره‌ای از مواقع بر هرج و مرج و ناامنی‌های داخلی دامن می‌زدند از یکسو و از سوی دیگر جاذبه بندر بوشهر به عنوان مهم‌ترین کانون تجاری خلیج فارس در این برهه زمانی مرتبط دانست. حضور چشمگیر و فعال کازرونی‌ها و دوانی‌ها به عنوان عنصری فعال در زمینه‌های گوناگون تجاری، فکری و فرهنگی به گونه‌ای بود که به مرور زمان سهم و نقش مهمی را در این عرصه به خود اختصاص دادند. نقشی که با هضم در فرهنگ و ظرف فرهنگی بوشهر موجبات پیوندهای مشترک اجتماعی و تعامل بیشتر در این زمینه و سایر زمینه‌ها را فراهم آورد و در میان نسل‌های بعد پرنسب‌تر از پیش ساخت. بنا بر این و با چنین رویکردی در این مقاله با روش تحقیق تاریخی و به شیوه توصیفی - تحلیلی به بررسی موضوع پرداخته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: قاجار، کازرون، بوشهر، خلیج فارس، تجارت، مهاجرت.



مقدمه

امروزه در بوشهر کازرون و کازرونی همانقدر شناخته شده است که دشتی‌ها، دشتستانی‌ها، و تنگستانی‌ها این شناخت حاصل چندین نسل ارتباطات تاریخی و پیوندهای اجتماعی مشترکی بوده است که پس از دوران قاجار نیز بر روند آن افزوده گشت. حضور فعال کازرونی‌ها در بوشهر در زمینه‌های گوناگون از جمله تجاری، اقتصادی و اجتماعی از پیش زمینه‌ای تاریخی برخوردار است که این ارتباط خود ریشه در تعاملات مشترک با بندر بوشهر در عصر قاجار دارد. عصری که پیوندهای اجتماعی این دوشهر از آن مقطع آغاز و این تعامل و تبادل بسته به تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بوشهر رو به افزایش گذاشت. جاذبه اقتصادی و تجاری بندر بوشهر در این برهه تاریخی به عنوان کانون اصلی تجارت و بازرگانی دریایی که با حضور فعال قدرت‌های سیاسی و اقتصادی بین الملل نیز همراه بود. در کنار فعالیت تجار داخلی و تاجرانی از اقلیت‌های گوناگونی چون؛ ارمنی، زردشتی، یهودی و به ویژه نمایندگان کمپانی‌های معتبر اروپایی این شهر را به مقصدی مناسب برای مهاجران کازرونی به ویژه کسبه و تجار مهاجر از کازرون قرار داده تا در این بندر سکنی گزینند. رونق و شکوفایی بندر بوشهر و جاذبه این بندر به عنوان دروازه تجاری ایران و خلیج فارس که واسطه تبادل افکار و انتقال اندیشه‌های نوین به نواحی داخلی ایران بود موجب جذب هرچه بیشتر مهاجران کازرونی به بوشهر گشت. مهاجرانی که علی‌رغم فقدان امکانات ارتباطی و مواصلاتی مناسب با پشت سر گذاشتن کُتل‌ها و گردنه‌های دشوار در این شهر ساکن شدند و به مرور زمان با سرمایه‌گذاری و حضور فعال در عرصه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بندر بوشهر توانستند نقشی به سزا در رونق و شکوفایی بندر بوشهر از خود ایفا نمایند. بر این مبنا پرداختن به پرسش‌هایی چند ضروری می‌نماید:

۱. دلایل مهاجرت کازرونی‌ها به بوشهر نشأت گرفته از چه علل و عوامل سیاسی و یا اجتماعی بوده است؟ ۲.

کازرونی‌های مهاجر پس از سکونت در بندر بوشهر در چه زمینه‌هایی به فعالیت پرداختند؟ در پاسخ به پرسش، نخست فرضیه مطرح بروز عدم امنیت، قحطی و خشکسالی‌های متناوب و نحوه عملکرد برخی از والیان فارس و خوانین منطقه که با اقدامات خود بر نا امنی‌ها و هرج و مرج داخلی دامن می‌زدند زمینه‌های مهاجرت از کازرون به بوشهر را فراهم آورد. در پاسخ به پرسش دوم نیز پیشه کازرونی‌های مهاجر را که اغلب ارتباطی با بازرگانی و تجارت داشتند را می‌بایست در گرایش آنان به امور اقتصادی و تجاری در بوشهر مؤثر دانست که سرشناس‌ترین آنان خاندان ملک‌التجار، خاندان گلشن، و به ویژه شخصیتی برجسته و تأثیر گذار به مانند؛ سید محمد رضا تاجر کازرونی بودند که در عرصه اقتصاد و تجارت بوشهر منشأ خدمات فراوانی گردیدند.

پیشینه تحقیق

تاکنون اثر مستقلى درمورد ارتباطات تاريخى كازرون و بوشهر در دوران قاجار تأليف نگردیده، فقط آثاری به صورت تک نگاری در مورد شخصیت‌هایی چون سید محمد رضا تاجر کازرونی و میرزا علی کازرونی تألیف شده که این آثار عبارت‌اند از: کتاب «حاج سید محمد رضا تاجر کازرونی؛ فخر التجار بوشهر در دوران قاجار» اثر عبدالکریم مشایخی که به زوایای گوناگون شخصیتی و فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی این شخصیت در دوران قاجار می‌پردازد. اثر دیگری که در مورد این شخصیت کازرونی مقیم در بوشهر تألیف شده کتاب «سید محمد رضا تاجر کازرونی و خدمات او به بندر بوشهر» اثر حسینی کازرونی است. علی‌حق شناس نیز در اثر خود «میرزا علی کازرونی» به زندگی و مبارزات وی در خلال جنگ جهانی اول و دوران پهلوی اول می‌پردازد. همچنین آثار موسی مطهری زاده پژوهشگر کازرونی با عنوان «جنبش ضد استعماری جنوب و آزادیخواهان کازرون» و «ناصر الدیوان کازرونی به روایت اسناد»، نیز در خور اهمیت است. وی در این اثر به واکاوی نهضت جنوب و نقش مردم و مبارزان کازرونی در این نهضت پرداخته است.

مبادلات کازرون - بوشهر از قرن چهارم تا دوازدهم هجری

سیر صعودی تعاملات اجتماعی کازرون - بوشهر و روند مبادلات این دو شهر از قرن چهارم، همزمان با دوران قدرت‌گیری آل بویه و به خصوص عصر حاکمیت عضد الوله دیلمی آغاز گردید. رونق و شکوفایی کازرون در این عهد به عنوان یکی از معتبرترین کانون‌های صنعت نساجی از یک سو و از سوی دیگر موقعیت ویژه و برتر اقتصادی و تجاری سیراف در قرن چهارم موجب سرعت بخشیدن به ارتباطات اقتصادی اجتماعی، و مبادلات فکری و فرهنگی گردید. به طوری که بیش‌ترین حجم مبادلات مابین این دو شهر از راه دریز (دریس) به کمارج و سپس از کمارج به خشت و از راه توج به خلیج فارس با مرکزیت سیراف صورت می‌گرفت. (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۴۲۶ و ۴۲۷). بدنبال عدم ثبات سیاسی و شکاف در هرم قدرت آل بویه و پس از آن هرج و مرج‌های متداول به وجود آمده در تاریخ ایران که به زعم دکتر کاتوزیان از خصایص ذاتی جوامع کوتاه مدت است (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۹ و ۱۰) نواحی تحت سیطره و نظارت آل بویه از جمله فارس و کازرون را نیز در این مقطع زمانی متأثر از رخوت و بی‌ثباتی رایج در دربار این خاندان ساخت. بدنبال این رخدادها و قطعی شدن عدم نظارت حاکمان و ترویج بی‌ثباتی و هرج و مرج از سویی و از سوی دیگر افول و تنزل سیراف به عنوان مهم‌ترین مرکز بازرگانی خلیج فارس در این برهه از زمان، مبادلات کازرون و بوشهر را در این مقطع و در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، فکری و فرهنگی تحت



تأثیر قرار داده و دچار افول نمود. از این زمان تا حدود اوایل قرن دوازدهم و همزمان با دوران حاکمیت خاندان زند بر ایران اکثر قریب به اتفاق منابع تاریخی در باب مبادلات جمعیتی دو طرف سکوت اختیار کرده‌اند. بیشترین اطلاعاتی که از ارتباطات کازرون - بوشهر در دوران زندیه، به خصوص سالهای پایانی این حکومت حکایت می‌کند، مربوط است به اتحاد نیروهای کازرونی و بوشهری در تقسیم بندی قدرت مابین لطفعلی خان زند و آقامحمد خان قاجار از یکسو و نیروهای دشتستانی از سوی دیگر است. شایان ذکر است که با استناد به منابع تاریخی، مهم‌ترین موج‌های مهاجرتی میان کازرون و بوشهر را می‌توان در سه مقطع حساس تاریخی دسته بندی کرد: ۱ - سالهای پایانی حکومت زندیه تا ابتدای قاجاریه ۲ - عصر ناصری تا مشروطیت ۳ - از مشروطیت تا پایان قاجاریه

مهاجرت از کازرون به برازجان

صفحات جنوبی ایران زمین در سالهای پایانی حکومت زندیه و همزمان با اوایل قدرت گیری سلسله قاجاریه شاهد ارتباطات اجتماعی فراگیری بود. مهاجرت‌های گروهی و انفرادی مابین کازرون به عنوان مهم‌ترین شهر پس کرانه ای خلیج فارس و در سوی دیگر بوشهر به عنوان مهم‌ترین بندر تجاری خلیج فارس در دوران قاجار، نمونه‌هایی از آن دست مهاجرت‌هایی است که به دلایل عمده ای چون؛ حسن همجواری و جذبه اقتصادی و اجتماعی بوشهر به عنوان یک بندر تزرانزیتی و مادر از نظر موقعیت در بارگیری، صادرات و واردات کالا توجه بسیاری از مردم به ویژه صنف تجار و بازرگانان کازرونی را به سوی خود جلب نمود. به گواهی تاریخ و وبا توجه به اسناد موجود و همچنین روایت منابع تاریخی موجود ریشه‌های اولین ارتباطات را در فصل جدید تاریخ ایران مابین این دو شهر می‌توان در اواخر دوران زندیه و اوایل دوران قاجار دانست. رونق اقتصاد تجاری بوشهر به عنوان یک بندر مقصد و پیشرو در آبراه خلیج فارس، که از همان ابتدای دوران فتحعلیشاه به مرور آغاز گشته بود را می‌توان دلیلی موجه بر این امر دانست. مهم‌ترین دلایل این رونق را که خود باعث جذب بیشتر مهاجران از طوایف و قومیت‌های گوناگون، به خصوص کازرونی‌ها به این بندر گردید را در ایجاد امنیت و اعمال اقدامات مرتبط با سهولت در امر ارتباطات توسط دولت وقت در محورهای حمل و نقل کالا که از مسیر برازجان و کازرون در جاده شاهی می‌گذشت مربوط دانست. علاوه بر این ویلم فلور حضور ناوگان دریایی بریتانیا در خلیج فارس را که اقدامات امنیتی دریایی را برای شناورهای کوچک فراهم می‌نمودند بر این موارد افزوده است. (فلور، ۱۳۸۹: ۲۹).



جایگاه بوشهر به عنوان نقطه اتصال فرهنگی و تجاری خلیج فارس در ابعاد امنیتی و رفاهی نیز آرامش را به نواحی پس کرانه‌ای منتقل نمود. به نحوی که نواحی پس کرانه ای چون برازجان، کازرون و شیراز که در مسیر جاده شاهی قرار داشتند از قِبَل آن منتفع گردیدند. بر همین مناسبت که شاهد اولین ارتباط اجتماعی مابین کازرون، برازجان و بوشهر از این راه هستیم. فرانکلین مسافر انگلیسی که در اواخر قرن هجدهم در مسیر مسافرت به شیراز از برازجان عبور می‌کند. برازجان را روستایی قابل توجه می‌داند که هم پر جمعیت است و هم حصاری آجری دارد. این حصار دارای برج و باروست. برازجان جایی تقریباً آرام بوده که جمعیتی قابل توجه نیز در آن ساکن بوده است. (فلور، ۱۳۸۸: ۱۵) این آرامش را به احتمال فراوان می‌توان متأثر از رونق اقتصاد و تجارت بوشهر در این برهه از زمان دانست. این رونق و شکوفایی بوشهر به عنوان دروازه تجاری ایران در خلیج فارس از یکسو و از سوی دیگر امنیت و آرامش ایجاد شده توسط خوانینی که در مناطق پس کرانه ای چون برازجان اعمال قدرت می‌نمودند و از قِبَل عبور مال التجاره های ارسالی از بندر بوشهر منتفع می‌گردیدند موجب گردید که عده ای از اقوام و اصناف مختلف از ناحیه کازرون به دعوت یکی از خوانین حاکم در این شهر به نام سالم خان برازجانی (۱۲۴۶ - ۱۲۲۰ هـ. ق) به این شهر کوچ کنند و مایه خدمات فراوانی برای این شهر گردند. به طوریکه به فاصله چند سال ده ها نفر از صاحبان حِرَف مختلف از قبیل: آهنگر، مسگر، حلبی ساز، نجار، خراط، رنگرز، رویگر، گیوه دوز، کوزه گر، بنا، آهک پز، نانوا و غیره از کازرون به برازجان آمدند و با کمک سالم خان مشغول کسب و کار شدند. (فرشبندی، ۱۳۳۶: ۵۰/۱؛ یاحسینی، ۱۳۸۸: ۳۵) کوچ گروهی طبقات گوناگون از اصناف فعال در کازرون را می‌توان به احتمال فراوان نشانگر تحمیل مالیات‌های سنگین از سوی مؤدیان مالیاتی از یکسو و از سوی دیگر ایجاد آرامش مقطعی و هرچند کوتاه مدت در برازجان دانست که هرچند کوتاه ولو برای مدت زمانی می‌توانست آرامش لازم را برای کسب و کار فراهم آورد. بنابراین و در یک بررسی مختصر می‌توان مهم‌ترین طوایف مهاجر کازرونی را که به برازجان مهاجرت کردند و با خدمات خویش منشأ اثر فراوان گردیدند چنین برشمرد:

طایفه پاپری

طایفه پاپری یکی از معروف‌ترین طوایفی است که پس از خاندان روزبه و حاج باقری که از زمان صفویه، یعنی در سنه ۹۲۰ هـ. ق در برازجان ساکن بودند در این شهر مستقر گردیدند. این طایفه از دو تیره به نام‌های مشهد علیشری و رئیس قاسمی تشکیل شده که تیره رئیس قاسمی اصالتاً متعلق به روستای مشتان کازرون بودند. این تیره تقریباً از اوایل دوران قاجاریه به دنبال فقدان امنیت و تعدیهای مکرر اشرار و راهزنان منطقه به برازجان کوچیدند و



در زمینه فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی برازجان و به دلیل برخوردار بودن از تعداد جمعیت فراوان تأثیرات فراوانی در اداره امور برازجان از خود بر جای گذاشتند. (فراشبندی، ۱۳۳۶: ۲/ ۱۴۱؛ اتابک زاده، ۱۳۷۳: ۸۳) لازم به ذکر است که اصطلاح «پاپری» که بر این طایفه اطلاق می‌شده است به دلیل محل سکونت اولیه آنان بوده که در مناطق کوهپایه‌ای روستای مشتان کازرون ساکن بوده‌اند.

طایفه خسروی

این طایفه نیز از دو تیره به نام‌های آقایان خشت و خسرو کازرونی تشکیل شده بود که این تیره نیز در دوران حاکمیت فتحعلیشاه قاجار از کازرون به برازجان مهاجرت نمودند.

طایفه آهنگر

اصل این طایفه از کاشان بوده، که به دلیل مساعد نبودن محیط این شهر در ابتدا به کازرون مهاجرت نموده و سپس به دلیل مناسب نبودن فضای کسب و کار مناسب در کازرون این طایفه به سرپرستی دو برادر به نام‌های فخر و عسکر که بنا به نقل منابع از اجداد نسل حاضر نیز به شمار می‌روند از کازرون به برازجان مهاجرت کردند. (فراشبندی، ۱۳۳۶: ۲/ ۱۴۶، اتابک زاده، ۱۳۷۳: ۳۸).

طایفه کوزه گران

این طایفه اصالتاً کازرونی بوده و شخصیت برجسته آنان نیز فردی بوده به نام " کربلانی بخشعلی فخر " که به احتمال در اواخر دوران فتحعلیشاه و اوایل حکومت محمد شاه قاجار به همراه طایفه خویش به برازجان مهاجرت نموده و صنعت کوزه گری و سفال سازی و آجر پزی و گچ ریزی را در این شهر پایه گذاری کردند. این طایفه همچنین به دلیل مهارتی که در فن گچ ریزی داشتند در پی ریزی دژ معروف برازجان و پل ارتباطی دالکی نقش فراوانی داشتند. (فراشبندی، ۱۳۳۶: ۲/ ۱۴۶).

طایفه نجاران

این طایفه نیز اصالتاً کازرونی بوده که از سه تیره با نام‌های استاد حسنی، حاج صفری و قائد جعفری تشکیل شده بود. علت مهاجرت این را می‌توان در اختلافات محلی با خوانین وقت و همچنین اختلاف نظرهای طایفه ای دانست که موجب مهاجرت آنان به برازجان گردید. (فراشبندی، ۱۳۳۶: ۲/ ۱۵۲). درکنار این طوایف، طوایف



دیگری نیز از سایر نقاط کازرون را می‌توان برشمرد که در یک جغرافیای جمعیتی وسیع تر، کازرون و مسقط الرأسشان را ترک نموده و در برازجان رحل اقامت افکندند. طوایفی چون: شاه حسینی از روستای کلانی و عبدوئی، دارالمیزانی متعلق به نودان کازرون، شحنه؛ از ملای اره کازرون، برج از مهرانگان کازرون، ذهبی و مقنی اصالتاً کازرونی، کمارجی؛ اهل روستای کمارج کازرون و طایفه زمانی از روستای بناف کازرون. هرکدام از این طوایف بنا بر موقعیتی که به دست آوردند منشأ اثر و خدمات فرهنگی و اقتصادی فراوانی گردیدند. بنابراین و در یک جمع بندی کلی می‌توان دلایل مهاجرت طوایف مهاجر از منطقه کازرون به مقصد برازجان را اینگونه برشمرد:

- رونق و رشد تدریجی بندر بوشهر به عنوان یک بندر مقصد و تأثیر این رونق بر مناطق پس کرانه ای واقع در مسیر عبور مال التجاره‌ها از جمله برازجان.

- ناامنی به وجود آمده در منطقه کازرون بدنبال عدم تمرکز قدرت در حاکمیت، به دلیل وقوع جنگ‌های فرسایشی میان خوانین.

- تمایلات استقلال طلبانه خوانین و دامن زدن به جنگ‌های طایفه ای که نتیجه ای به جز اختلافات شدید خوانین محلی و متعاقب آن اجحاف بر رعیت چیزی باخود به همراه نداشت.

- عدم وجود زیر ساخت‌های لازم برای رونق کسب و کار و در نهایت تضاد منافع خوانین حاکم

بوشهر؛ تکیه گاه تجاری ایران در دوران قاجار

ایران در زمان قاجار با پشت سر گذاشتن عصر انقلاب‌های بزرگ جهانی وارد مرحله ای نوین از تاریخ خود گردیده بود. همزمان با این دوره در ایران، کشورهای اروپایی استعمارگر مرحله به مرحله همگام با پیشرفت‌های نوین جهانی به پیش رفته بودند، به گونه ای که خود و کشورشان را دائرمدار کشورها به ویژه کشورهای توسعه نیافته و جهان سومی می‌دانستند. ایران زمان قاجاران اما غرق در جهالت و بی خبری بود تا جایی که آقامحمد خان برای اصلاح امور "راهی جز کشتن و بستن" نمی‌شناخت و آن گاه نیز که سلطنت به جانشین او رسید، شاه زیوری جز تن آسانی و خودآرایی نداشت. (طباطبایی، ۱۳۹۲: ۴۹۷) در این میان صفحات جنوبی ایران به مرکزیت بوشهر تنها به دلیل موقعیت ویژه و مهم خود و همچنین اقدامات اقتصادی برخی از شیوخ آل مذکور در کنار عوامل دیگری چون برخورداری از استعدادهای بالقوه اقتصادی و تجاری رفته رفته به کانون اصلی و تکیه گاه تجاری ایران تبدیل گشت. همزمان با عصر فتحعلیشاه در تاریخ ایران، انگلستان نفوذ خود را در هند و خلیج فارس گسترش داده به نحوی که در سال ۱۲۲۷ هـ. ق / ۱۸۱۲ م دفتر سیاسی خود را در بوشهر تأسیس کرد. حضور فعال انگلستان در بوشهر زمینه



ساز دیگر دولت‌های اروپایی شد. به دنبال حضور نمایندگی سیاسی کشورهای خارجی و فعالیت بازرگانان ایرانی و خارجی، بوشهر بندر اصلی و عمده سراسر خلیج فارس شد. (مشایخی، ۱۳۹۱: ۷) نکته در خور ذکر اینکه با افزایش هرج و مرج در عراق و استقرار نیروهای انگلیسی در خلیج فارس بندر بوشهر از موقعیت تجاری مناسب تری برخوردار و به یکی از راه‌های اتصال خلیج فارس به نواحی پس کرانه ای و داخلی ایران مانند: فارس، اصفهان و تهران تبدیل گردید. از عواملی که باعث این ترقی گردید، گشایش کانال سوئز بود که دریای مدیترانه را به دریای سرخ و اقیانوس اطلس متصل می‌کرد. (سعیدی نیا، ۱۳۸۹: ۵۸). بدنبال این ترقی برخی از دولت‌های اروپایی در این شهر دفتر نمایندگی سیاسی تأسیس کردند. بوشهر در سراسر سده نوزدهم تا اواسط سده بیستم مهم‌ترین بندر ایران و نیز سراسر خلیج فارس به شمار می‌آمد به طوری که دومین شعبه بانک شاهی پس از تهران در سال ۱۸۹۰ م/ ۱۳۰۷ هـ. ق در بوشهر افتتاح گردید. (خیراندیش، ۱۳۹۰: ۱۲۷) دولت‌های فرانسه، آلمان، و روسیه به ترتیب در سالهای ۱۳۰۶ هـ. ق / ۱۸۸۹ م، ۱۳۱۵ هـ. ق / ۱۸۹۷ م و ۱۳۱۹ هـ. ق / ۱۹۰۱ م اقدام به تأسیس کنسولگری در بوشهر نمودند. لازم به ذکر است که دولت هلند برای سالهای متمادی در بوشهر کنسولگری داشت و دولت‌های نروژ، ایتالیا و عثمانی نیز در بوشهر کنسولگری داشتند. از هنگام به قدرت رسیدن سلسله قاجار به مدت یک قرن و نیم بوشهر مهم‌ترین بندر تجاری ایران بود. به تدریج از سال ۱۲۱۵ هـ. ق / ۱۸۰۰ م بوشهر از بندری واقع در مسیر کشتی‌ها به بندری ترانزیتی تبدیل شد. (مشایخی، ۱۳۹۱: ۷؛ گرمون رأی، ۱۳۷۸: ۱۶۹) سالانه نزدیک به یکصد کشتی انگلیسی و عربی از هندوستان و مسقط برای امور بازرگانی به این بندر می‌آمدند و روی هم رفته در فاصله سالهای ۱۲۳۲-۱۲۳۸ ق / ۱۸۱۷-۱۸۲۳ م. سه چهارم کالاهای وارد شده به بوشهر از هندوستان و چین و یک چهارم دیگر از اروپا بود. (عیسوی، ۱۳۶۹: ۱۲۴) شایان ذکر است که برقراری نظم و امنیت و به راه افتادن راه‌های کشتی رانی در خلیج فارس و حضور ناوگان انگلستان در منطقه خلیج فارس زمینه ساز رشد تجارت بوشهر گردید. تا آنجا که در سال ۱۲۳۲ تا سال ۱۲۳۸ ق رقم کل واردات از طریق بندر بوشهر دو برابر شد. (عیسوی، ۱۳۶۹: ۱۲۵) این تحولات اقتصادی زمینه ساز رشد بازارهای شیراز و اصفهان گردید که کالاهای وارده به این شهرها از راه بندر بوشهر تأمین می‌گردید. (لاریمر، ۱۳۷۹: ۱۷۰) رشد جمعیت بوشهر که از گسترش بازرگانی و تجاری آن سرچشمه می‌گرفت شتابان بود. تعیین تعداد جمعیت بوشهر در برهه‌های مختلف زمانی در گرو ثبات و امنیت اوضاع سیاسی و اقتصادی این شهر بوده است. برای مثال به مدت بیش از یک قرن - دوره‌ای که کساد و رونق تجارت را در بر می‌گیرد - جمعیت این شهر بین ده تا بیست هزار نفر در نوسان بود. ساکنان بوشهر و اطراف آن از



نژاد ایرانی بودند که از اواخر دوره افشاریه به بعد تعداد زیادی از اقوام عرب از کرانه‌های جنوبی خلیج فارس به بوشهر مهاجرت کرده و در شهرهای بندری ایران اسکان یافتند، که برخی از آنان مانند خاندان آل مذکور و نصوری ها موفق به تشکیل حکومت شدند. همچنین در دوره حاکمیت قاجاریه بر ایران اقلیت‌های مذهبی متعددی در بوشهر زندگی می‌کردند که مهم‌ترین آن‌ها اقلیت ارامنه بودند. (مشایخی، ۱۳۹۱: ۸) ارامنه که احتمالاً بعد از غارت تفلیس در سال ۱۲۱۱ هـ. ق/ ۱۷۹۷ م دسته جمعی به نقاط مختلف ایران از جمله بوشهر مهاجرت کردند بعد از مدتی از موقعیت متنفذی برخوردار شده به طوریکه برخی از آنان از تجار عمده بوشهر به شمار می‌رفتند تاجرانی مانند زیتون، نگران، اسماطور و میگروبیچ از جمله این تجار ارمنی بودند که در بوشهر به فعالیت مشغول بودند (سعیدی نیا، ۱۳۸۹: ۶۲). علاوه بر ارامنه، یهودی‌ها نیز در بوشهر و در تجارت بوشهر سهیم بودند به نحوی که تعداد فراوانی از آنان در دو محله قدیمی بوشهر و از جمله محله کوتی ساکن بودند. (مشایخی، ۱۳۹۱: ۸) گفتنی است که طبقه تجار و بازاری همواره در جامعه ایران و از جمله بوشهر نقش عمده و اساسی ایفا کرده‌اند و در بسیاری از جنبش‌های سیاسی و اجتماعی همواره پیشرو و پیشگام بوده‌اند. در این دوره تاریخی تجار معتبر بوشهری و غیر بوشهری در این بندر به فعالیت تجاری مشغول بودند. از مهم‌ترین آن‌ها که از نفوذ سیاسی و اقتصادی فراوان برخوردار بودند، می‌توان از بهبهانی‌ها، دهدشتی‌ها و مهم‌تر از آن‌ها کازرونی‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین عنصر پویای اقتصادی بوشهر نام برد که در کنار سایر تجار فعال در امر تجارت به رشد و پیشرفت اقتصاد بوشهر کمک‌های شایانی نمودند. در این مقطع زمانی تجار بوشهر برای گسترش و بهبود روابط تجاری با کمپانی‌های خارجی اقدام به تشکیل کمپانی‌های تجاری در سال ۱۳۰۱ هـ. ق نمودند و با همکاری سایر بازرگانان شرکتی به نام "کمپانی تجاری ایران" را در بوشهر تأسیس نمودند. این کمپانی در مجلس تجارت بوشهر به ثبت رسید و عده زیادی سهام دار آن شدند. (سعیدی نیا، ۱۳۸۹: ۶۳؛ معتضد، ۱۳۶۶: ۶۲۷ و ۶۲۹) در پایان و با ارائه تصویری از روند تجارت و جوامع تجاری بوشهر به عنوان تکیه گاه تجاری ایران در خلیج فارس در عصر قاجار و در یک جمع بندی کلی دلایل این رونق و شکوفایی را موجب جذب مهاجرانی، از جمله مهاجران کازرونی به این شهر شد را می‌توان به صورت زیر برشمرد:

- برخوردار بودن از شهرهای پس کرانه‌ای مناسب با اتکای بر اقتصاد کشاورزی پویا به منظور تأمین مایحتاج این بندر و صادرات.

- وجود جامعه فعال و پویایی تجاری



- نقش بندر بوشهر به عنوان بندر مقصد و پیشرو در جنوب ایران از قِبل پخش و توزیع کالاهای وارداتی از جنوب به مرکز ایران با گذر از شهرهای پس کرانه ای ای چون: برازجان، کازرون، شیراز، و اصفهان به منظور تأمین کالا برای بازارهای داخلی با فاکتور بهره مندی از نیروی کار بالا، و حمل و نقل مقرون به صرفه

مهاجرت از کازرون به بوشهر

مراودات سیاسی - اقتصادی و اجتماعی کازرون - بوشهر را می توان فصل مشترک تاریخ معاصر این دو شهر دانست. جایگاه مهم و در خور اهمیت بوشهر به عنوان یک کانون بازرگانی مطرح در آبراه تاریخی خلیج فارس که به دلیل برخوردار بودن از یک چنین جایگاهی در پیوندی ناگسستنی با خلیج فارس باب الابواب تجاری ایران نامیده می شد. از طرفی و در نقطه مقابل نیز نقش و تأثیر کازرون به عنوان یکی از مهمترین شهرهای پس کرانه ای خلیج فارس به دلیل قرار گرفتن در مسیر مواصلاتی منتهی به نواحی مرکزی ایران موجب گردید تا در طول یک پروسه زمانی مشخص مبادلات اقتصادی، اجتماعی، فکری و فرهنگی این دو شهر درهم تنیده شود. می توان اینگونه اذعان نمود که ایران زمان قاجار برخلاف دوران صفویه به خاطر ایران بودنش مطرح نبود؛ بلکه این جاذبه اقتصادی هندوستان بود که ایران و به تبع آن بوشهر را به عنوان یک کانون تجاری بسیار مهم در کانون توجهات بین المللی قرار داد. همین جاذبه بود که بوشهر را مأمّن مناسبی برای تجار و بازرگانان داخلی و خارجی به ویژه تجار کازرونی نمود. در سفرنامه ای که یکی از دیوانیان عصر محمد شاه قاجار در سفر به نواحی جنوبی و ساحلی خلیج فارس نگاشته است اطلاعاتی را درباره چهار گروه اجتماعی ساکن در بوشهر شامل کازرونی ها، دریسی ها، بهبهانی ها، و دهدشتی ها ارائه می دهد که بنابر مندرجات این سفرنامه هرکدام از این گروه ها کدخدایی جداگانه داشته اند و در این بندر ساکن بوده اند. (دو سفرنامه از جنوب ایران، ۱۳۶۸: ۷۲؛ مارتین، ۱۳۸۷: ۵۴).

لازم به ذکر است که از گروه مهاجرین ساکن در بوشهر تعدادی به حرفه ملکی دوزی، سندل سازی و پینه دوزی و هیزم شکنی روی آوردند و بقیه اعم از بومی و مهاجر به کارهای مختلف دیگر از قبیل؛ بقالی، خرازی، بزازی، علافی، نانواپی، و عطاری گرفته تا فعلگی و حمالی و کفش دوزی دست زدند. بندر بوشهر در این زمان جنبه یک شهر کاملاً تجاری به خود گرفته بود و به عنوان مرکز عظیم و پر جنوب جوش تبادل کالا بین ایران و هند تقریباً با یک مرکز تجاری امروز ایران کوس برابری می زد. (احمدی ریشه‌ری، ۱۳۸۰: ۱۰۹). بنابر اطلاعات و اسناد برجای مانده از کازرونی های مقیم بوشهر، آنان در چهار محله قدیم بوشهر و به خصوص محله های شنبیدی و دهدشتی بیشترین تعداد جمعیت را دارا بودند بطوری که محله شنبیدی به محله کازرونی ها معروف بود. کازرونی های مقیم بوشهر در



دوران قاجار در کنار سایر تجار بوشهری از ارکان مهم تجارت بوشهر به شمار می‌رفتند و نقش به‌سزایی در روند روبه‌رشد تجارت و بازرگانی بندر بوشهر ایفا نمودند. در کنار کازرونی‌ها دوانی‌ها نیز یکی از عناصر فعال در تجارت بوشهر بودند که اکثر قریب به اتفاق آن‌ها در گمرک خانه بوشهر که در محل چهار برج قدیم قرار داشت مشغول فعالیت بودند. تعدادی از دوانی‌ها منصب حمال باشیگری را عهده‌دار بودند. لازم به ذکر است که منصب حمالباشی یکی از مناصب بالا در گمرک آن دوره بود. که به نوعی مترادف با ترابری امروزی بوده است. گذشته از منصب حمال باشیگری سایر دوانی‌ها به کار یدی در گمرک اشتغال داشتند. برطبق برآورد لوریمر کنسول انگلیس در بوشهر، کازرونی‌های مقیم بوشهر تقریباً ۱۰۰۰ نفر و دوانی‌های ساکن در این شهر نیز ۲۰۰ نفر برآورد شده است. در این بررسی دوانی‌ها در گروه کارگران فصلی جای گرفته که تعداد آنان همانگونه که عنوان گردید دویست نفر برآورد شده بود. همچنین لازم به ذکر است که بیش‌ترین کارگر فصلی ساکن در بوشهر بعد از تنگستانی‌ها بنا به گفته لوریمر دوانی‌ها بودند. (لوریمر، ۱۳۷۹: ۱۶۸ و ۱۶۹) درمورد دلایل مهاجرت دوانی‌ها گفتنی است که بیش‌ترین مهاجرت‌ها که غالباً در مدت زمان جنگ جهانی اول صورت پذیرفت بیشتر به مقصد بندر بوشهر و بحرین صورت گرفت. عمده‌ترین دلیل این نقل مکان را از طرفی می‌توان بر اثر قحطی‌ها و خشکسالی‌های بوجود آمده در کازرون دانست و از طرف دیگر غارت‌های مکرر اشرار و فشارهای اقتصادی روزافزون را نیز در این مهاجرت و نقل مکان مزید بر علت دانست. شیخ محمد علی دوانی در رساله خود وضع دوان را در آن سال‌ها (پیش از ۱۲۵۰ هـ. ق) اینگونه توصیف می‌کند: «وقریه مزبوره از اعظم رساتیق بود و در سنوات قحط و غلا نستجیر بالله منهار اغلب و اکثر ایشان مردند و تفرقه شدند که بالفعل خانه‌های ایشان غیر مسکون است». (لهسائی زاده، سلامی، ۱۳۸۰: ۲۳۹؛ به نقل از: دوانی، ۱۳۴۹: ۴۵۴) با توجه به رونق و شکوفایی بوشهر در امر تجارت این بندر یکی از عمده‌ترین مکان‌هایی بود که قادر به جذب مهاجر بود چرا که نیاز فراوانی به جذب نیروی انسانی به ویژه در بخش گمرک داشت. بر این اساس دوانی‌ها به دو صورت این نیروی کار را تأمین کردند. دوانی‌ها که به واسطه طبیعت دوان مردمانی ورزیده بودند به محض استقرار در بوشهر وظیفه تخلیه و بارگیری کشتی‌های تجاری را برعهده گرفتند. گوشه‌هایی از فعالیت دوانی‌های ساکن در بوشهر در کتاب تنگسیر صادق چوبک اینگونه انعکاس یافته است «آفتاب بلند شده بود و بازار شلوغ بود. مزدورها برای خالی کردن بارهای کشتی به طرف اسکله و گمرک در تکاپو بودند. حمال‌های نیرومند کازرونی و دوانی با بارهای سنگین و ستمبر میان گمرک و تجارتخانه‌ها آمد و شد می‌کردند.» (لهسائی زاده، سلامی، ۱۳۸۰: ۲۳۹؛ به نقل از چوبک، ۱۳۵۱: ۱۳۰ و ۱۳۱) این شغل را در آن زمان



کولی می‌گفتند که به احتمال فراوان مترادف همان حمال و حمال باشی است که در سطور پیشین نیز ذکر آن رفت. تعداد دوانی‌هایی که به امر حمال باشی گری اشتغال داشتند روبه فزونی داشت، به نحوی که باربری در بندر بوشهر در انحصار آن‌ها درآمد بود و اگر چنانچه دست به اعتصابی می‌زدند، کار تخلیه و بارگیری کشتی‌ها متوقف می‌شد. این مهاجران در ابتدا به صورت فصلی بودند اما بعدها در بوشهر دائمی شدند و بطوریکه امروزه از اعقاب آن‌ها چهار نسل در بوشهر و اطراف این بندر به سر می‌برند. (لهسانی زاده، سلامی، ۱۳۸۰: ۲۳۹) علاوه بر باربری و اشتغال در امر گمرک دوانی‌ها در زمینه جابه‌جایی کالاها و تحت عنوان قاطرچی نیز معروف بودند که از این طریق مال‌التجاره‌های ارسالی میان بوشهر و شیراز و بالعکس را جابه‌جا می‌کردند و از این طریق امور حمل و نقل نیز به وظایف آنان در بوشهر افزوده گشت. قاطرچی‌های دوانی به سرعت به عنوان رابط و پستیچی، میان تجار و تجارتخانه‌های مطرح آن زمان درآمدند که وظیفه حمل‌التجاره‌های تجار بزرگ داخلی و خارجی را بر عهده داشتند. شهبازخان دوانی از جمله افرادی بود که سال‌ها این وظیفه را برعهده داشته و تحت این عنوان حمل و نقل بوشهر به بندر لنگه و بوشهر به اهواز را برعهده داشت و در مبارزات ضد انگلیسی نیز یاری رسان مبارزان جنوب بود. دوانی‌ها تنها به این مشاغل اکتفا نکرده و عده‌های از آنان که از علم و سواد بهره‌ای داشتند به عنوان دفتر دار در تجارتخانه‌های فعال آن زمان در بوشهر استخدام شدند. لازم به ذکر است که شمار فراوانی از تجار دوانی ساکن در بوشهر به علت ارتباطات تجاری با بحرین به این مکان مهاجرت کردند و در مدت زمانی بعد در شمار تجار مطرح بحرین نام بردار گشتند. التاجر دوانی از جمله این تجار است که تجارت چای بحرین را در دست داشت. (لهسانی زاده، سلامی، ۱۳۸۰: ۲۴۰). فعالیت کازرونی‌ها و دوانی‌های ساکن بوشهر در امر بازرگانی و تجارت به گونه‌ای چشمگیر بوده که رکن زاده آدمیت نیز به آن اشاره کرده است «اهالی دوان و کازرون در کسب و تجارت ید طولانی دارند و کازرونیان به هر شهری از ایران که رفته‌اند اگر در تجارت حائز درجه اول نشده‌اند حتماً درجه دوم را بخود اختصاص داده‌اند، اهل دوان نیز در بوشهر به کسب و تجارت مشغول هستند.» (رکن زاده آدمیت، ۱۳۴۹: ۸۵ و ۸۶) از مطرح‌ترین تاجران دوانی ساکن در بوشهر که در اواخر حکومت قاجار در این بندر فعالیت داشتند و صاحب تجارتخانه بودند عبارت‌اند از: حاجی میر احمد تاجر دوانی، حاج مرتضی و حاج مختار دوانی اشاره نمود. تجار دوانی علاوه بر امر تجارت درکنار تاجران کازرونی مقیم در بوشهر به امور فرهنگی و خیریه نیز توجه ویژه‌ای مبذول داشتند. (روزنامه مظفری، ۱۳۱۹: ۱۶). علاوه بر تجار، علمایی چون ملا عبدالله دوانی به دلیل درگیری‌های رخ داده تحت عنوان شیخی و اصولی در کازرون و دوان در سال ۱۳۰۰ هـ. ق به بوشهر مهاجرت و پس از مدتی به نجف و



سرانجام در سال ۱۳۳۳ هـ. ق و همزمان با وقایع جنگ جهانی اول در جنوب به بوشهر بازگشته و در این شهر ساکن می‌شود. علاوه بر وی روحانی دیگری به نام ملا محمد باقر دوانی در سال ۱۲۸۵ هـ. ق به همراه پدرش ملا محمد جعفر دوانی به بوشهر مهاجرت نموده و در نزد علمای آل عصفور و آقا شیخ خلف بن آل عصفور درس می‌خوانده است. (لهسانی زاده، سلامی، ۱۳۸۰: ۴۸۸ و ۴۸۹). کازرونی‌های مقیم بوشهر علاوه بر امور تجاری که بیشتر باین کسوت شناخته می‌شدند در زمینه امور فرهنگی نیز پیشرو و پیشگام بودند. مدرسه سعادت برای اولین بار در سال ۱۳۱۷ هـ. ق توسط شیخ محمدحسین سعادت از علناً و فضلالی بوشهر و با همکاری و همراهی برادرش شیخ عبدالکریم سعادت تأسیس گردید. مدرسه سعادت را می‌توان یکی از مهم‌ترین کانون‌های تربیت رجل سیاسی و فرهنگی سده‌های اخیر دانست. رونق و شکوفایی مدرسه سعادت را می‌توان از یکسو مدیون درایت و استقامت شگفت انگیز شیخ محمد حسین سعادت و شهامت شیخ عبدالکریم سعادت در نظم و انتظام بخشیدن به امورات مدرسه دانست. (خیراندیش، ۱۳۹۰: ۴۹) از سوی دیگر حمایت‌ها و پشتیبانی‌های افرادی چون سید محمدرضا تاجر کازرونی، تاجر سرشناس کازرونی مقیم در بوشهر را بایستی یادآور شد. نکته درخور تأمل آنکه این بزرگواران در یک قرن پیش و بدون داشتن الگوهای آموزشی و با داشتن حداقل امکانات آن روزگاران و علی‌رغم کارشکنی‌های حاسدان و جاهلان، آن سال‌ها موفق شدند با همکاری تعداد معدودی از بزرگان علمی به تأسیس و تداوم مدرسه ای با شیوه جدید دست بزنند. مدرسه‌ای که ده‌ها سال بر تارک فرهنگ بنادر جزایر خلیج فارس می‌درخشید و فارغ التحصیلان آن بعدها از مصادر علمی و اداری منطقه و سایر مناطق ایران زمین شدند. مخلص کلام اینکه مدرسه سعادت با مساعدت حکمران بوشهر (احمدخان دریاییگی)، موافقت دولت قاجار، همراهی تجار، همکاری گمرک و بانک شاهی و همدلی جمعی از فرهنگ دوستان و ترقی خواهان شکل گرفت و به یکی از مهم‌ترین کانون‌های ترویج فرهنگ اندیشه نوگرایی در خلیج فارس تبدیل گردید. (خیراندیش، ۱۳۹۰: ۴۹). اما بدون شک در ترویج و تعلیم اندیشه‌های نوگرایی و تجدد، نقش معلمین و مدرسین کازرونی حائز اهمیت است.

گذشته از شیخ محمد حسین و پدرش شیخ محمد علی سعادت که در انتصاب ایشان به کازرونی بودن جای تردید و تأمل فراوان است. و آنان را بایستی شبانکاره ای و اهل شبانکاره دانست، می‌بایست از دو نفر معلمین کازرونی مدرسه سعادت با نام‌های میرزا لطف الله کازرونی و خسرو مؤدب کازرونی نام برد که نقش مهمی در عرصه فرهنگی بندر بوشهر در دوران قاجار ایفا نمودند. میرزالطف الله کازرونی که متولد ۱۲۸۵ هـ. ق در کازرون بود در ابتدا مراحل مقدماتی تحصیلات خود را در شیراز و در یکی از مدارس قدیمی آن شهر و در نزد شیخ رئیس از فرزند



زادگان فتحعلیشاه فرا گرفت. وی که از مطلعین زمانه خویش بود با بهره گیری از اندیشه‌های نوین علمی وقت تغییرات اساسی را در نظام آموزش و پرورش فرسوده و سنت گرا بوجود آورد و با ایجاد و گسترش نظام نوین آموزشی، احداث مدارس جدیدی چون مدرسه هدایت در کازرون را موجب گردید. (رکن زاده آدمیت، ۱۳۴۰: ۵۵۸/۴). وی پس از ایجاد تحول در نظام آموزشی کازرون از سوی زعمای مدرسه سعادت به تدریس در این مدرسه فراخوانده شد و به این شهر مهاجرت نمود. علاوه بر میرزا لطیف، خسرو مؤدب نیز در سال ۱۳۲۲ هـ. ق به دعوت شیخ عبدالکریم سعادت به بوشهر آمده و به تدریس در مدرسه سعادت پرداخت. در مدت شش سالی که تا سال ۱۳۲۷ هـ. در بندر بوشهر به فعالیت علمی اشتغال داشت تأثیرات فراوانی را از خود در عرصه فرهنگ و تربیت رجال علمی و سیاسی برجای گذاشت. وی همچنین کتابی با نام انتقادالتواریخ با حمایت مالی حاج سید ابوالقاسم تاجرکازرونی، برای شاگردان مدرسه سعادت تألیف کرد. (حق شناس، ۱۳۸۶: ۷۴ و ۷۷).

تجار کازرونی مقیم در بوشهر

تجار کازرونی ساکن در بوشهر که به واسطه سال‌ها اقامت در بوشهر، خوی و خصلت بوشهری گرفته بودند رفته رفته با گذشت زمان به یکی از ارکان مهم اقتصاد و بازرگانی بوشهر در در عصر قاجار تبدیل شدند. بنابراین قبل از ورود به این مبحث توضیحی در مورد جایگاه اقتصادی تجار در عصر قاجار لازم می‌نماید. با نگاهی به زمان‌های گذشته و با بررسی بازارهای اسلامی در طول زمان، این نکته مشخص می‌شود که در این بازارها پایگاه اجتماعی تجار بزرگ همواره از کسبه و پیشه‌وران متمایز بود. آن‌ها از یکسو از اهل بازار مجزا می‌شدند و از دیگر سو در رأس هرم قدرت و منزلت پس از علما و عمال دیوانی قرار می‌گرفتند. (تشکری، ۱۳۹۲: ۲۷۴). در بسیاری از موارد تجار روابط مالی درهم تنیده‌ای با سران حکومتی پیدا می‌کردند و ضمن شراکت در فعالیت‌های بازرگانی، منافع مشترکی میان آن دو پدید می‌آمد. (تشکری، ۱۳۹۲: ۲۷۴؛ به نقل از متی، ۱۳۵: ۱۳۸۷) چنانکه این پیوند از یکسو باعث حمایت تجار از حکومت و تأمین بخشی از نیازهای مالی حاکمیت توسط تجار می‌شد و از سوی دیگر آن‌ها را تحت حاکمیت قدرت حاکم و به مرور وابسته می‌ساخت که این موضوع خود مانعی در پیدایش طبقه مستقل تجار می‌گردید. (اشرف، ۱۳۵۹: ۲۶). تجار بزرگ علاوه بر اینکه نقش مهمی را در حیات اقتصادی شهرها ایفا می‌کردند ولی تعدادشان زیاد نبود و حتی در مراکز تجاری، گروه کوچکی را تشکیل می‌دادند و گاهی اوقات در یک شهر تعداد آن‌ها بسیار محدود بود. (فلور، ۱۳۶۵: ۱۵۲) تعداد تجار خرده پا و متوسط در شهرها زیادتر بود و در آن‌ها در شهرها دارای نیروهایی بودند که بوسیله آن‌ها بین شهر و روستا روابط بازرگانی برقرار می‌کردند. (عیسوی، ۱۳۶۲:

۶۲). در دوران قاجار تجار و بازرگانان از گروه‌های منتفد و مورد اعتماد حکومت محسوب می‌شدند. تجارت در خانواده‌های آنان موروثی بود و از پدر به پسر به ارث می‌رسید. علاوه بر این تجار از القاب و عناوینی برخوردار بودند که از جمله این القاب می‌توان به عنوان ملک التجاری اشاره کرد. این عنوان از طرف حکومت به رئیس تاجران اعطا می‌شد و وظیفه‌اش حفظ منافع عمومی تجار و رسیدگی به امور تجاری آنان در کنار مسائل دیگری چون؛ سروسامان دادن امور تجاری میان تجار و حکومت و همچنین برقراری ارتباطات سازنده میان آنان بود. مقام ملک التجار همزمان با صدور فرمان محمد شاه در سال ۱۲۶۲ هـ. ق/ ۱۸۴۴ م. به منظور کاهش بست نشینی تجار به وجود آمد. این مقام در تهران و سایر شهرهای مهم و فعال اقتصادی از سوی شاه منصوب می‌شدند که مقامی موروثی بود. (سعیدی نیا، ۱۳۹۳: ۳۹). گفتنی است که شرط اعطای لقب ملک التجاری فزونی ثروت و مال التجاره بود. القاب تجاری دارای درجاتی بود که هر تاجر به فراخور دارایی خود آن را بدست می‌آورد. نخستین کسی که لقب ملک التجاری گرفت، حاجی خلیل خان قزوینی از مشاهیر رجال و سرمایه داران ایرانی و از تجار معروف بندر بوشهر بود که از جانب آقامحمد خان قاجار عنوان ملک التجار داشت. (احمدی ریشه‌ری، ۱۳۸۰: ۱۲۴). به عنوان مثال در این زمینه بایستی به خاندان ملک التجار در بوشهر اشاره نمود که از قدرت و ثروت فراوانی برخوردار بودند و تحت عنوان واسطه میان حکومت و تجار تأثیرات به‌سزایی از خود در دو حوزه سیاست و اقتصاد خلیج فارس و بوشهر در دوران قاجار برجای گذاشتند.

خاندان ملک التجار

خاندان ملک التجار اصلیتی کازرونی دارند که تقریباً در سالهای اولیه تأسیس سلسله قاجار و در سال ۱۲۱۰ هـ. قاز کازرون به بوشهر نقل مکان کردند. (فسایی، ۱۳۸۸: ج ۲ / ۱۳۲۳). نخستین فرد از خاندان ملک التجار فردی به نام حاجی علی اکبر تاجر کازرونی بوده است که تقریباً همزمان با اواخر دوران حکومت زندیه و اوج گیری قدرت آقامحمدخان قاجار به دلیل عدم ثبات سیاسی و اقتصادی بوجود آمده در فارس و کازرون که قتل و غارت، و هرج و مرج شدید سیاسی - اقتصادی فضای کسب و کار و تجارت را ناپیمن کرده بود از کازرون به بوشهر آمد و در این شهر ساکن شد. با توجه به مناسب بودن بستر تجارت و بازرگانی در بندر بوشهر حاج علی اکبر تاجر کازرونی سرسلسله خاندان ملک التجار رفته رفته در امر تجارت ترقی و پیشرفت نموده، و این ترقی در امر تجارت تا بدانجا بود که حتی بعد از وی فرزندانش حاج غلامحسین و حاج محمد شفیع تاجر کازرونی به یکی از معروف‌ترین و در عین حال بزرگ‌ترین تاجران و بازرگانان عصر خود تبدیل شد. (فسایی، ۱۳۸۸: ج ۲ / ۱۳۲۳). آقامحمد خان شفیع در





سال ۱۳۰۲ هـ. ق با کمک مردم بوشهر موفق به تأسیس شرکتی با نام «کمپانی تجاری ایران» شد. این شرکت با سرمایه ای معادل ۳۵۰/۰۰۰ هزارتومان برای مقابله با نفوذ بیش از پیش اقتصادی انگلیس در بوشهر گردید. (معتضد، ۱۳۶۶:۶۲۷). از میان ملک التجارها که اسامی و القاب آن‌ها هرکدام به تفصیل در فارسنامه ناصری ذکر شده است می‌توان از آقا محمد علی ملقب به ملک التجار دوم و حاج محمد مهدی، ملک التجار سوم نام برد که از نسل حاج غلامحسین تاجر کازرونی بودند و در میان خاندان ملک التجار به دلیل داشتن وجهت سیاسی و اقتصادی تقریباً تا حدودی از مابقی افراد این خاندان نام بردارترند. نکته در خور تأمل آنکه به فاصله تغییر نسل در خاندان ملک التجار، فرزندان نسل‌های بعدی در این خاندان از آنجا که سالیان متمادی در بندر بوشهر اقامت داشتند خوی و خیم بوشهری گرفتند. تاجایی که در اسناد و فرمان‌هایی با مضمون‌های گوناگون، پسوند بوشهری بر آنان اطلاق می‌شد. فسایی آقا محمد علی ملک التجار دوم را یکی از سرمایه دارترین تجار ایران به شمار می‌آورد و به قول وی "به ارث و استحقاق به لقب جلیل ملک التجاری سرافراز گردید. از وفور مال التجاره اگر شخص اول نبود لا محاله در شماره شخص دویم محسوب بود و در سال ۱۲۹۵ هـ. ق در بندر بوشهر وفات یافت." (فسایی، ۱۳۲۳:۱۳۸۸). همانطور که ذکر آن در سطور پیشین رفت منصب ملک التجاری در دوره قاجار موروثی بود و بر همین اساس نیز لقب ملک التجاری در خاندان حاج علی اکبر تاجر کازرونی به صورت موروثی درآمد. علاوه بر آقا محمد علی ملک التجار بوشهری (کازرونی)، حاج محمد مهدی ملک التجار بوشهری (کازرونی) ملک التجار سوم نیز یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های خاندان ملک التجار در ایران است. وی علاوه بر نفوذ بالای اقتصادی از وجهتی سیاسی نیز در نزد حاکمان وقت برخوردار بود. این وجهت از منظر سیاسی تا بدان حد بود که بارها به واسطه نفوذی که حاج محمد مهدی ملک التجار بوشهری (کازرونی) در ارکان حکومت قاجار داشت بارها ضمانت مالیاتی بوشهر و بنادر خلیج فارس را بر عهده گرفت. بر همین اساس است که در سال ۱۳۰۴ هـ. ق ناصرالدین شاه قاجار حکومت بنادر و جزایر خلیج فارس را به حاج محمد مهدی ملک التجار واگذار می‌کند. از طرفی براساس اسناد موجود در کتاب نارنجی متعلق به دولت روسیه، وی اولین فردی است که در هنگام گفتگوی بازرگانان تهران با عین الدوله از برپایی مجلس مبعوثان سخن می‌آورد. (کتاب نارنجی، ۱۳۶۷: ۱۰۲). ناصر الدین شاه با تفویض قدرت سیاسی و اقتصادی بوشهر و بنادر به محمد مهدی ملک التجار وی را مأمور پایان بخشیدن به سلطه شیخ نشینان خلیج فارس می‌کند که توانسته بودند بر بخش‌هایی از بنادر مسلط شوند. (سدید السلطنه، ۱۳۶۲: ۱۴ و ۶۶). پس از مدتی ملک التجار توانست در بنادر جنوب بنا به گفته منابع علم دولت انگلیس



رابرافکنند و علم دولت ایران را بر جای آن نشاند و بنادر را از چنگ تعدی و تجاوز آنان خلاصی بخشد. (حسینی کازرونی، ۱۳۸۴: ۳۰). در امور مربوط به تجارت و بازرگانی که در اندیشه حاج مهدی ملک التجار تا حدود فراوانی به سیاست پیوند خورده بود تشکیل شرکتی با عنوان "کمپانی تجار بوشهر" به منظور کسب و کار و تجارت داخلی و از سوئی تجارت با اروپا، با سرمایه ای به مبلغ کل یک میلیون روپیه آن روز می توانست مثمر ثمر واقع شود. (معتضد، ۱۳۶۶: ۶۲۹). علاوه بر این ملک التجار به واسطه اعتباری که کسب کرده بود نماینده چندین شرکت خارجی در ایران بود. شرکت هایی چون؛ زیگلر کمپانی، کری بال، و کمپانی ملی که هر کدام از این شرکت ها با توجه به نفوذ فراوانی که دولت هایشان در دربار قاجار داشتند توانستند تأثیرات به سزایی از خود در چرخه اقتصاد و تجارت دوران قاجار از خود بر جای گذارند. در نهایت حاج محمد مهدی ملک التجار در سن سی سالگی در بمبئی درگذشت و جسدش را به نجف اشرف برده و در آنجا دفن نمودند. اما بزرگترین عیبی که در وجود حاج محمد مهدی ملک التجار بوده مُصرف بودن این شخصیت از خاندان ملک التجارهاست که برخی از منابع آن عصر بدان اذعان داشته اند. که در نهایت بر اثر همین اصراف گری با از دست دادن سرمایه خویش در نهایت تنگدستی در بمبئی درگذشت.

میرزا علی کازرونی؛ تاجری در لباس سیاست

میرزا علی کازرونی فرزند یکی از کازرونی های مقیم بوشهر بود که خانواده وی در اواخر دوران ناصر الدین شاه از کازرون به بندر بوشهر مهاجرت کرده بودند و میرزا علی توانست به تدریج مراحل ترقی را از راه تجارت طی کرده و رفته رفته با توجه به فتانت و هوش سرشار خویش تجارت را با سیاست پیوند زده و به یکی از رجل سرشناس تاریخ معاصر بوشهر تبدیل گردد. به نقل منابع تاریخی و با توجه به اسناد موجود میرزا علی کازرونی نقش قابل توجهی را در کنار سایر آزادی خواهان بوشهر در جریان مشروطیت و به خصوص دوران استبداد صغیر در تقابل با استبداد داخلی و از سوئی استعمار پیر ایفا نمود. حیات سیاسی میرزا علی کازرونی را می توان به سه مقطع مهم تقسیم بندی نمود که نقش فعال میرزا علی در مراحل اولیه مشروطیت و استبداد صغیر و همچنین جنگ جهانی اول به مراتب پر رنگ تر و تأثیر گذارتر است. در سال ۱۳۲۴ هـ. ق که ندای جانفزای آزادی و آزادی خواهی در ایران عصر قاجار طنین افکن شد. و به گفته محمد علی شاه قاجار که نقل و حکایت مشروطه را چو بلبل به چمن ها می گفتند، نقل این حکایت علاوه بر تهران و تبریز و فارس و اصفهان به صفحات جنوبی ایران زمین و به خصوص بندر بوشهر که خود مهم ترین دروازه ورود افکار و اندیشه های نوین سیاسی و اجتماعی معاصر بود نیز رسید و دل و جان آزادی



خواهان و دلسوزان وطن را جلایی دگر بخشید. میرزا علی کازرونی که پس از تثبیت نهاد مشروطیت در بوشهر خود یکی از وکلای مردم بوشهر در مجلس ملی بود (مشایخی، ۱۳۸۱:۳۰). همزمان با استبداد صغیر و به توپ بسته شدن مجلس به نمایندگی از سوی آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، علما و خوانین بوشهر را بر ضد معزالدوله، حکمران وقت بوشهر در عصر مظفری متحد کرده و با تصرف ادارات دولتی و تصرف اداره گمرک بوشهر که به منزله نبض اقتصادی بنادر جنوب ایران و دربار قاجار عمل می‌کرد. این مرکز اقتصادی را از تصرف بلژیکی‌ها خارج نمودند و در اختیار یکی از تجار ارمنی موافق با مشروطیت در بوشهر به نام مؤسس خان ارمنی گذاشتند. علی‌رغم کارشکنی‌های احمد خان دریابگی بر ضد آزادی خواهان بوشهر، دوران دوم مشروطیت با خلع محمد علی شاه از سلطنت و تبعید وی از ایران به پایان رسید و میرزا علی کازرونی نیز بار دیگر به سمت نیابت انجمن ولایتی بوشهر منصوب گردید. برهه دوم حیات سیاسی میرزا علی کازرونی همزمان است با وقوع جنگ جهانی اول در ایران و به تبع آن تصرف بوشهر توسط قشون انگلیس و نقض بی طرفی ایران در سالهای پایانی حکومت قاجار بر این سرزمین. فعالیت نیروهای آلمانی از یکسو و تحریکات خوانین مناطقی چون؛ دشتی، دشتستان، دلوار و کازرون در تقابل با اغراض تمامیت خواهانه انگلیسی‌ها از سوی دیگر در کنار قتل و غارت و قحطی و تنگی معیشت مردمان صبور بوشهر و دیگر مناطق درگیر در این جنگ فرسایشی، اوضاع سیاسی و اجتماعی بوشهر و سایر شهرهای همجوار را که در خط سیر این مبارزات ملی و میهنی قرار گرفته بودند را تا حدود زیادی در یک وضعیت حاد سیاسی و کابوس اجتماعی جانگداز فرو برده بود. در چنین وضعیتی که با سکوت و بی‌مبالاتی حاکمان وقت و یکه تازی سرکنسولگری دولت انگلیس و ایادی وابسته‌اش در بوشهر همراه بود. میرزا علی کازرونی به نقل منابع تاریخی و اسناد بر جای مانده در آرشیو بالیوزگری انگلیس در بوشهر، انتقادات تندی بر علیه سیاست‌های این دولت مطرح نموده که در نهایت به مصادره اموال وی به تحریک کنسول انگلیس، توسط تجارتخانه داوود ساسون منجر گردید. (رکن زاده آدمیت، ۱۳۴۹:۱۴؛ کاکس، ۱۳۸۶:۲۱۵؛ حق شناس، ۱۳۸۹:۲۶) کازرونی به صلاح‌دید رئیسعلی دلواری به برازجان نقل مکان کرده و از آنجا به مدیریت روش و راهکارهای مبارزاتی بر ضد سیاست‌های انگلیس با کمک خوانین، قوای ژاندرمیری، و همچنین علماء وقت پرداخت. مطابق اسناد و مکاتبات باقی مانده از کازرون و سران جنوب، قدرت سخنوری میرزا علی کازرونی و همچنین جسارت و شجاعتی که در آن مقطع زمانی از خود بروز داد، وی را در میان رهبران آن روز مرجع امور ساخته بود. کازرونی همزمان با خاتمه جنگ جهانی اول به کازرون و مدت زمانی بعد به تهران نقل مکان کرد. با تخلیه بوشهر از قوای انگلیس بار دیگر به این شهر بازگشته و



در دوره چهارم مجلس شورای ملی از طرف مردم بوشهر به همراه مرحوم شیخ عبدالکریم سعادت از بنیان مدرسه سعادت به نمایندگی مردم در مجلس ملی انتخاب شد. کازرونی بار دیگر در دوره‌های ششم، هفتم، هشتم و نهم از جانب مردم بندر عباس به عنوان نماینده این شهر انتخاب شد. در نهایت در دوران مجلس نهم و در سال ۱۳۱۳ ش در تهران وفات یافت. آنچه مسلم است اینکه دوران وکالت کازرونی در ادوار مختلف مجلس، پس از انقراض سلسله قاجار و در دوران حکومت پهلوی اول با توجه به فضای خاص حاکم بر حکومت پهلوی چندان پربار نبوده است.

سید محمد رضا تاجر کازرونی؛ پیوند دهنده دیانت با تجارت

سید محمدرضا تاجر کازرونی یکی از شخصیت‌های به نام بوشهر در عصر قاجار است که در فاصله سالهای پس از مشروطیت تا اواخر قاجاریه و اوایل پهلوی اول، نقش و تأثیر به‌سزایی در عرصه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بوشهر از خود برجای گذاشته است. این تاجر کازرونی مقیم بوشهر که در سال ۱۲۴۴ ش در کازرون متولد شد. اجدادشان از نسل سادات طباطبایی ساکن در یمن بوده که پس از مهاجرت به ایران در ابتدا در شولستان و سپس در کازرون ساکن شدند. شمار فراوانی از این سادات در روستای فهلیان از توابع شولستان (ممسنی) سکنی گزیده بودند. بنا بر نقل منابع تاریخی، علما و فضلالی نامداری از این تیره برخاسته اند که در فاصله سالهای حاکمیت صفویه بر ایران و تا مدت زمانی پس از آن نیز صاحب کرسی تعلیم و تدریس بوده‌اند. (کازرونی، ۱۳۸۴: ۴۲)

موقعیت جغرافیایی کازرون که در امتداد زاگرس فارس قرار گرفته و به ویژه مناطق مرکزی این خطه به مرکزیت بخش شاپور و اندکی آنسوتر به سمت جنوب شرقی، مناطقی چون جره که در مسیر جاده شاهی باستان نیز بوده است را از قدیم الایام مستعد کشاورزی و به ویژه کشت صیفی جات کرده بود. (عیسوی، ۱۳۶۲: ۳۵۰). بر همین اساس، خاندان سید محمد رضا تاجر کازرونی و پدر ایشان حاج سید محمود کازرونی با آگاهی از چنین اهمیتی از آنجا که خود نیز به پیشه کشاورزی اشتغال داشته، کازرون را مکان مناسبی برای کشت و زرع تشخیص داده و تقریباً همزمان با حکومت ناصر الدین شاه قاجار در کازرون سکونت اختیار نمود. همزمان با اهمیت یافتن بوشهر در معادلات سیاسی و اقتصادی دوران قاجار، سید محمدرضا تاجر کازرونی در سال ۱۲۶۰ ش و از سن شانزده سالگی راهی این بندر گردید و از این زمان به بعد است که با تحمل سختی‌ها و پشت سر گذاشتن مشقات فراوان تا مدت چهل و هفت سال به پشتوانه اعتقادات و تمسک به معتقدات مذهبی بر اساس اسناد و مدارک موجود، هم در زمینه دیانت و دستگیری از مردمان تنگ دست بندر بوشهر اثرات خیری از خود برجای گذاشت و هم در زمینه‌های



اقتصادی و فرهنگی. (مطهری زاده، ۱۳۷۸: ۶۵). سید محمد رضا تاجر کازرونی بدنبال سال‌ها خدمت و فعالیت در بندر بوشهر منشأ خیرات و خدمات فراوانی گردید. خدماتی چون تأسیس نخستین شعبه بانک ملی در بوشهر و سرمایه‌گذاری و خرید سهام این بانک در کنار تجار سرشناسی همچون حاج محمد باقر بهبهانی، حاج محمد رضا بهبهانی و دیگر تجار در سال ۱۳۲۴ هـ. ق، حضور فعال در کنار مبارزان جنوب و تأمین مایحتاج نظامی و دفاعی آنان از طریق بارگیری و انتقال اسلحه از بندر مسقط به مقصد بوشهر و دلوار در بحبوحه جنگ جهانی اول، احداث اولین کارخانه آب شیرین کنی و آب انبار در بوشهر، بر عهده گرفتن نمایندگی شرکت‌های هواپیمایی آلمان، فرانسه، انگلیس در بوشهر با اختصاص دادن زمینی جهت ساخت فرودگاهی بدین منظور، علاوه بر این خدمات بایستی به حضور فعال در عرصه فرهنگ به خصوص عضویت در هیأت امنای مدرسه سعادت مظفری در بوشهر که از اولین مدارس جنوب کشور به شمار می‌رفت در کنار اقداماتی دیگری چون دستگیری از ضعفا و فقرا و چندین و چند مورد دیگر یاد کرد که ذکرشان در این مقال نمی‌گنجد. با در نظر گرفتن زوایای گوناگون شخصیتی سید محمد رضا تاجر کازرونی و ضمن سنجش این زوایا از نگاه تاریخی با استناد به اسناد و مدارک باقی مانده از وی و با در کنار هم گذاشتن خصلت‌های نیک و بد که از سرگذشت هر انسانی در رهگذر زمان نشأت می‌گیرد، فضایل اخلاقی و معنوی این شخصیت افق روشنی را پیش روی هر مورخ و محقق منصفی می‌گمارد. علاوه بر سید محمد رضا تاجر کازرونی، کازرونی‌های دیگری نیز بودند که با فعالیت در زمینه اقتصاد و تجارت بوشهر نقش مهمی را در شکوفایی تجارت بوشهر در دوران قاجار ایفا نمودند افرادی چون: حاج میرزا بابا تاجر کازرونی، سید حسن تاجر کازرونی، حاج عبدالعلی تاجر کازرونی، حاج میرزا غلامحسین صاحب تاجر کازرونی، محمد جعفر تاجر کازرونی، حاج محمد حسن تاجر کازرونی، حاج محمدشفیع تاجر کازرونی، میرزا محمود تاجر کازرونی و حاج علی اکبر تاجر کازرونی.

محمد رضا اصلاح دریسی؛ روزنامه نگاری آزادی خواه

نام محمد رضا اصلاح با نام روزنامه و روزنامه نگاری در بوشهر پیوندی خاص یافته است. محمد رضا اصلاح از جمله مهاجران کازرونی مقیم در بوشهر بود که از زادگاهش دریس واقع در غرب کازرون در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه قاجار یا به احتمال در اوایل سلطنت مظفرالدین شاه به مانند سایر مهاجرین کازرومی مقیم در بوشهر ترک یار و دیار کرده و در این شهر سکنی گزید. لازم به ذکر است که روستای دریز یا دریس از جمله قدیمی‌ترین روستاهای کازرون است که قدمت آن به نوعی با تاریخ بیشاپور کهن عجین است. بنا به نقل منابع تاریخی از به هم



پیوستن سه روستای نورد و راهبان و دریز است که کازرون پدید آمد و به مرور جایگزین بیشاپور گردید. (ابن بلخی، ۱۳۷۹: ۱۴۵). علاوه بر این دریس در قرون نخستین اسلامی بیشتر به دلایل ارتباطی و همچنین از بعد اقتصادی تأمین کننده پارچه‌های کتانی نواحی داخلی ایران و دیگر نواحی خلافت اسلامی بود که در قرون سوم و چهارم هجری مورد توجه بود. اصلاح که به واسطه سال‌ها اقامت در بندر بوشهر به بوشهری نیز شهرت یافته بود. به دلیل اهمیت و جایگاه مهم این بندر در معادلات سیاسی و اقتصادی حاکمان زمانه و همچنین نقش بوشهر در تبادل اطلاعات و اندیشه‌های مترقی حاصل از تعاملات بین‌المللی به مشی اصلاح طلبی گرایش یافت. اصلاح طلبی که آمال خود را از بُعد داخلی در مبارزه با جهل و و استبداد زمان و از بُعد خارجی نیز در ستیز با تمامیت خواهی استعمارگران می‌دید و بیان می‌کرد. اصلاح، همزمان با شروع انقلاب مشروطیت در ایران به صف مشروطه طلبان پیوست و برای تحقق آرمان دموکراسی و آزادی خواهی در بوشهر به فعالیت پرداخت. با به توپ بسته شدن مجلس توسط محمد علی شاه قاجار و شروع استبداد صغیر به بمئی رفت و از آنجا با انتشار روزنامه اصلاح به دفاع از آمال مشروطیت پرداخت. اصلاح در اولین شماره منتشر شده این روزنامه مشی سیاسی و اجتماعی آن را در غیرت وطن دوستی و خدمت به مردم ایران و بوشهر می‌دانست. " برای تأسیس این جریده جهاتی داریم که شاید تدریجاً در طی مقالات خود به اظهارش بپردازیم و حالا با ضیق وقت همین قدر به ملاحظه کنندگان اعلام می‌داریم که ابداً قصدی جز خدمت به وطن و نوع خود نداریم و از این رو بالمره با هیچکس طرف نبوده و نیستیم و فقط هم خود را بر اجراء آن خدمات معطوف می‌کنیم و با همین خرابی اسباب و حقارت و آلات که دلالت بر بضاعت مزاج ما دارد اقدام نموده، امیدواریم مشترکین عظام و هموطنان گرامی همین قدر بر ما منت نهاده عرایض ما را درست گوش دارند تا بلکه از توجهات الهی این سحاب مظلم از افق وطن مرتفع گردد. و من الله توفیق. " (اصلاح، ۱: ۱۳۲۷). اصلاح را می‌توان روزنامه نگار روشن فکری دانست که با قلم خود به مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی پرداخت، به نحوی که حتی بنا به گفته یکی از مورخین معاصر، سفیدی‌های روزنامه وی داد از حب وطن می‌زد. (صداقت کیش، ۱۳۸۸: ۵) محمد رضا اصلاح در بمبئی به مدت سه سال به مبارزات قلمی خود در زیر لوای آزادی خواهی و آگاهی بخشی به متن جامعه ایران عصر قاجار ادامه داد. آگاهی بخشیدنی که هدفش در وهله اول انعکاس اخبار مربوط به مشروطیت بوشهر و عملکرد انگلیسی‌ها در این بندر و در تقابل با مشروطیت بود. همزمان با بازگشت مجدد اصلاح به بوشهر در ۲۰ ذیحجه ۱۳۲۹ هـ ق این روزنامه متناوباً در بوشهر و تهران منتشر می‌شد. همزمان با آغاز جنگ جهانی اول و اشغال بندر بوشهر توسط انگلیسی‌ها، اصلاح به مخالفت با



سیاست‌های تجاوز طلبی آنان پرداخت. به همین علت نیز در لیست سیاه انگلیسی‌ها قرار گرفته و به همراه میرزا علی کازرونی و برای سازمان دهی مبارزات چریکی بر علیه قوای متجاوز، عازم اهرم و همکاری با رئیس‌علی دلواری و زائر خضرخان و شیخ حسین خان چاهکوتاهی گردید. با فروکش کردن آتش جنگ جهانی اول در جنوب ایران که با تلفات انسانی، اجتماعی و اقتصادی همراه بود موقعیت انگلیسی‌ها در جنوب و ایالات فارس تثبیت گردید. بدنبال انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ م. کارگزاران انگلیسی مجال بیشتری برای عرض اندام در عرصه سیاست ایران بدست آوردند. بواسطه آن قرارداد و پیامدهای حاصل از آن، انگلیسی‌ها توانستند به مرور زمینه را برای تغییر سلطنت در ایران آماده سازند. در چنین اوضاع آشفته‌ای که اصلاح همزمان با تغییر سلطنت به تهران رفته بود به انتقاد از سیاست‌های دولت جدید پرداخته که در نهایت نیز این انتقادات منجر به تعطیلی روزنامه اصلاح گردید. با حاکم شدن فضای امنیتی و خفقان ناشی از آن که از پیامدهای تغییر حاکمیت در هرم قدرت زمانه بود، محمد رضا اصلاح که چنین فضایی را در تضاد با افکار اصلاح طلبی خود می‌دانست چاره کار را در انزوا گزیدن دیده و بر همین اساس بنا به گفته رکن زاده آدمیت در بندر خرمشهر سکنی گزید و در همین شهر نیز رخ در نقاب خاک کشید. (رکن زاده آدمیت، ۱۳۴۰: ۷۰/۱).

تعاملات کازرون - بوشهر در جنگ جهانی اول

جنگ جهانی اول را می‌توان نقطه عطفی در روابط مابین کازرون و بوشهر دانست که به مرور زمان علاوه بر ابعاد نظامی در زمانهای بعد خود را در قالب مقوله‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نشان داد و با گذشت هر چه بیشتر زمان بر دامنه این تعامل افزوده گشت. با مروری بر روند مبارزات خوانین جنوب که از سال ۱۲۷۳ هـ. ق/ ۱۸۵۶ م. و بدنبال فتح هرات از سوی قوای ایران در عصر ناصر الدین شاه قاجار و متعاقب آن تصرف جزیره خارک و بندر بوشهر که از سوی نیروهای انگلیسی صورت پذیرفت. متوجه اولین حضور نیروهای کازرونی در تقابل با دشمن بیگانه و به حمایت از مردمان بوشهر در این مقطع تاریخی می‌شویم. این حضور خود می‌تواند نشان از حسن نظر و ارتباطات تاریخی سازنده‌ای باشد که در این برهه حساس در قالب ستیز با بیگانه نمود یافت. نیروهایی که از سراسر مناطق کازرون به سرکردگی میرزا علی محمد خان حاکم کازرون و البته به محوریت نیروهای خشتی به سرکردگی محمد هاشم خان خشتی به همراه چهارصد نفر از مبارزان کازرونی که از جای جای منطقه کازرون گرد هم آمده بودند به سمت بوشهر و نواحی ساحلی به مرکزیت قلعه ریشهر که نقطه تلاقی نیروهای انگلیسی و مدافعان جنوبی بود رهسپار گردیدند و پایه پای مبارزان بوشهری و تنگستانی و دشتی و دشتستانی با



نیروهای انگلیسی به مبارزه پرداختند. میرزا حسن فسائی این حضور و همگامی نیروهای کازرونی را این چنین توصیف می‌کند: "نواب والا مؤید الدوله (والی فارس) به تعجیل با چهارصد نفر تفنگچی کازرونی و خشتی از صحرای خشت گذشته وارد قریه دالکی گردید و ایلخانی را از نینزک (دهی از توابع برازجان) احضار فرموده و توپخانه را که در دالکی انداخته بودند به ایلخانی سپرده به نینزک رسانیده نینزک را لشکرگاه ایرانی قرار دادند و سوگند مسلمانی استوار داشتند که تا جان در بدن دارند در دفع سپاه انگلیس بکوشند." (فسائی، ۱۳۸۸: ۸۱۶) در این جنگ نیروهای انگلیسی به دلیل برتری قوا و برخورداری از تجهیزات مکانیزه و پیشرفته توانستند کنترل اوضاع را در دست گرفته و مبارزان خطه جنوب را سرکوب نمایند. اما حضور و همگامی نیروهای کازرونی در این نبرد خود فتح بابی بود بر همراهی و مناسبات دوسویه ای که در مقاطع حساس بعدی به خصوص در رخدادهای مربوط به جنگ جهانی اول دامنگیر بوشهر گردید. لازم به ذکر است که در پایان جنگ هرات، دولت انگلیس فتح هرات توسط قوای ایران را بهانه ای برای تصرف جزیره خارک و بندر بوشهر قرار داده و با استفاده از ترفند و حربۀ دیپلماسی در میدان مذاکره از سویی و از سوی دیگر با در اختیار داشتن نیروهای برتر و تجهیزات مکانیزه توانست تصرف بوشهر را دستاویزی برای به اجرا گذاشتن اهداف خویش که همان انعقاد معاهده پاریس بود قرار دهد و با جدا نمودن افغانستان از ایران یکی از مهم‌ترین راه‌های نفوذ به هندوستان را که رگ حیاتی استعمار پیر تلقی می‌شد سد نماید. (مشایخی، ۱۳۸۶: ۸۸) شایان ذکر است که فرمانروایان قدرتمند عالم در طول تاریخ از داریوش گرفته تا اسکندر و از نادر تا ناپلئون، چنگیز تا هیتلر و تیمور تا استالین همگی در فکر فتح و تصرف هندوستان بوده‌اند. (باستانی پاریزی، ۱۳۷۳: ۷ و ۸) رفته رفته زمان هرچه به پایان حاکمیت قاجارها بر ایران زمین نزدیک تر می‌شد. به دلایل عدیده ای چون خفقان سیاسی، عدم ثبات در نظام مرکزی، جور و تعدی حکام و فرزندان و دست نشانندگان شاهان و شاهزادگان قاجار بر ایالات و ولایات که حریم خصوصی رعیت را در مناطق مختلف ایران ملک الطلق شخصی خویش تلقی می‌نمودند، با اعمال مالیات‌های سنگین هرچه بیشتر بر شکاف میان هرم قدرت و بدنه آن افزودند و با اقدامات خود زمینه‌های تزلزل در ارکان حاکمیت را پدید آوردند. با تغییرات تحول سازی که در نظام بین الملل روی داده و دولت‌های اروپایی برخاسته از بطن رنسانس و انقلاب صنعتی، با گذر از عصر استعمار به بازتفسیر دولت و ملت در قالب ناسیونالیسم پرداختند. و در دو جبهه متفق و متحد به رویارویی با یکدیگر برای تقسیم هرچه بیشتر سرزمین‌های آسیایی و آفریقایی به این مناطق چنگ انداخته و حقوق و آزادی انسان‌ها را قربانی قدرت و جاه طلبی خود نمودند. اما ایران در این جغرافیای ترسیم شده از سوی استعمار جایگاهی ویژه داشت.



ایرانی که در طی سالیان طولانی شمال و جنوبش هرکدام میدان یکه تازی‌های دو ابر قدرت روس و انگلیس بود، در سالهای پایانی حاکمیت قاجارها علی‌رغم اعلان بی‌طرفی دولت ایران درگیر جنگی ناخواسته گردید. جنگی که نواحی جنوبی ایران را به مرکزیت بوشهر و فارس به کانون اصلی بحران سیاسی مبدل نمود. بنا بر رسم دیرینه تاریخ مقاومت در ایران و بنا بر مقتضیات زمانی کانون مقاومت سیار بوده است. تاریخ نشان داده است اگر در زمانی خراسان نماد هویت ایرانی در مقابل بیگانگان تلقی می‌شد و در زمانی دیگر تبریز، در این مقطع بوشهر و نواحی جنوبی بودند که به نماد مقاومت و هویت ایرانی تبدیل شده بودند. اقدامات حزب دموکرات فارس و وطن پرستی بخشی از نیروهای ژاندارمری، در کنار مبارزات مبارزان بوشهری و تنگستانی و کازرونی، دشتی و دشتستانی شور و حرارت زاید الوصفی را در قالب دفاع از کیان این سرزمین به نواحی جنوبی بخشیده بود. در این میان موقعیت ویژه جغرافیایی کازرون به واسطه قرار گرفتن در نواحی پس کرانه ای خلیج فارس و بوشهر و همچنین اهمیت مواصلاتی حاصل از ترانزیت کالا از بندر بوشهر به نواحی مرکزی ایران که به مانند پلی ارتباطی میان نواحی ساحلی با مرکز عمل می‌کرد اهمیتی دو چندان یافت. شایان ذکر است که کازرون به واسطه مبدل شدن این شهر به یکی از کانون‌های مهم مقاومت بر ضد نیروهای انگلیسی در مرتبه نخست هم در نگاه حاکمان فارس و کارگزاران دولت انگلیس از سویی و از سوی دیگر در نگاه مدافعان کازرونی و نیروهای مردمی، بواسطه پشتیبانی از نهضت جنوب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. به طوری که هربرت چیک کنسول دولت انگلیس در بحبوحه جنگ جهانی اول در سفری که از بوشهر به شیراز داشته سیمای کازرون را اینگونه توصیف می‌کند: "نام ناصر دیوان را بسیار شنیده‌ام. خیلی دلم می‌خواست او را ببینم گفتند چند روزی است در کازرون نیست. کازرون پر از هیاهوست، به نوعی قلب تلاش قبیله‌ها و ایل‌ها در کازرون می‌تپد، این شهر محل برخورد دو نوع رویداد در حال شکل گرفتن در فارس و شهرهای حوزه رود کارون که در دست ماست می‌باشد، و نخستین زمه‌ه‌رنوع اتفاقی در آینده را باید از این شهر شنید. بر پایه اطلاعات پیش‌تر دریافت شده از مأمورین پنهان مان در این شهر، شهر نارآم بلکه بی‌پرده رو به سوی رویارویی با ما دارد و در صورتی که این نگاه علنی شود، گلوگاه دسترسی از بندر بوشهر به شیراز و بندرهای معشور و محمره و شهر ناصریه از راه خشکی سخت خواهد شد و بخش عمده‌های از جابه‌جایی نیروها در منطقه با خطر مواجه خواهد شد، باید هرچه سریع‌تر برای حل این مشکل راهی یافت." (چیک، ۱۳۹۲: ۸۳) موقعیت حساس و استراتژیک کازرون که از یکسو مبدل به شاه‌رگ حیاتی انگلیسی‌ها در شیراز و بوشهر شده بود این شهر را به یکی از کانون‌های اصلی بحران و تحرکات سیاسی طرفین تبدیل کرده بود. تحرکات ضد انگلیسی و اسموس در مناطقی



چون کمارج، کازرون، جره و شیراز بر ضدیت هر چه بیشتر مردمان این نواحی با نیروهای انگلیسی می‌افزود. (نیلستروم، ۱۳۷۰: ۳۰). بدنبال عدم ثبات و فقدان وحدت تصمیم‌گیری در شاکله هرم قدرت قاجار، پس از هجوم قوای انگلیس به سرحدات ایران، نظام ایالات بیش از پیش از هم گسیخته گردید. تضاد و تقابل نیروهای ژاندارمری در فارس و همچنین سیاست‌های تفرقه‌آمیز نیروهای انگلیسی در فارس و بوشهر، خوانین مناطق جنوبی به خصوص ناصر دیوان کازرونی را هرچه بیشتر به یکدیگر نزدیک و در برابر بریتانیا متحد ساخت. ناصر دیوان کازرونی به عنوان سرکرده مبارزان کازرونی با سازماندهی نیروها و با پیشنهاد طرح جلسه‌ای با حضور واسموس و صولت الدوله قشقائی خواهان یاری رساندن به مبارزان بوشهری شد. در یکی از این گزارش‌ها آمده است: "خبر رسیده که واسموس در کازرون است. خبرآور ما از جلسه‌ای در خانه ناصر دیوان با حضور واسموس و صولت الدوله و حاج رضا کازرونی خبر داده است. حاج رضا گویا در اندیشه سرمایه‌کلانش در بوشهر نیست. خبرها حاکی از آماده شدن قشقائی‌ها و کازرونی‌ها برای جنگ سخن می‌گویند." (چیک، ۱۳۹۲: ۱۳۵). ناصر دیوان کازرونی که رهبری مبارزات نیروهای کازرونی را در دفاع از سرحدات کازرون و همچنین حمایت از نهضت جنوب بر عهده داشت، کلانتر و حکمران سنتی کازرون محسوب می‌شد. وی که رویهای ضد انگلیسی داشت در خلال تحولات مشروطیت با سیاست بریتانیا درگیری‌هایی پیدا کرد. ناصر دیوان همچنین با قوای ژاندارمری هم برخوردی داشت که در نهایت با مداخله بریتانیا به نفع ژاندارمری و موقتاً به زیان ناصر دیوان خاتمه یافت. لازم به ذکر است که ناصر دیوان با خوانین برازجان، کمارج و دالکی نیز اختلاف‌هایی داشت که در ماه‌های آغازین جنگ به این اختلافات پایان داد و با خوانین جنوب که از ارکان حوزه‌های قدرت در آن مقطع بودند دست اتحاد داد. (یا حسینی، ۱۳۹۱: ۹۶). همگامی و همراهی افکار عمومی کازرون از همان آغاز تصرف بوشهر به دست قوای انگلیس خود را نشان داد. همزمان با خبر اشغال بوشهر توسط قوای نظامی بریتانیا که موجی از خشم و شگفتی را در سر تا سر ایران در پی داشت، اهالی فارس و به خصوص مردم منطقه کازرون از جمله اولین کسانی بودند که نسبت به این اقدام اعتراض نمودند، به نحوی که با ارسال تلگراف بلند بالایی سوگوارانه تصرف بوشهر را محکوم کردند. (یا حسینی، ۱۳۹۱: ۱۵۰ به نقل از روزنامه عصر جدید، ۱۳۳۳: ۲). در خور یادآوری است که ارتباطات دوسویه کازرونی‌ها و بوشهری‌ها، در گиро دار جنگ جهانی اول با اقدامات کازرونی‌های مقیم بوشهر بیش از پیش تقویت گردید. در پایان با نگاهی به پیامدهای حاصل از جنگ جهانی اول در صفحات جنوبی این سرزمین و فارغ از هر نتیجه‌ای این جنگ را هر چند ناخواسته، به عنوان پدیده‌ای جامع‌شناختی به مانند هزاران جنگ رخ داده در تاریخ،



سوی از زوایای تاریک آن که با حتک حرمت و پایمال کردن خون هزاران انسان بی گناه در صفحات جنوبی ایران زمین همراه بود، بایستی در انسجام بخشی به "مأم وطن" و در قالب منافع گروهی و تحت عناوین مختلفی چون کازرونی، بوشهری، دلواری، دشتی و دشتستانی بازتعریف نمود. که این انسجام بخشی خود موجب نزدیکی و تعامل هرچه بیشتر آنان را در این برهه از زمان فراهم آورد.

مساجد کازرونی ها در بوشهر

بندر بوشهر از جمله شهرهایی است که در این راه شتابان به پیش رفت و در یک مقطع زمانی دو بیست و یک ساله (۱۱۵۳ _ ۱۳۶۰ هـ. ق) ساختمان ۶۱ باب مسجد و حسینیه در آن بنا نهاده شد و هر محله صاحب چندین بنای مذهبی گردید. بطوریکه بعد از روی آوردن مهاجران مختلف و از طبقات گوناگون به بوشهر هر گروه از این مهاجران اقدام به ساختن مسجد یا حسینیه در محله خود نمودند و علاوه بر برگزاری مجلس ترحیم و مراسم روضه خوانی و عزاداری در ماههای محرم و صفر و مجالس مذهبی مخصوص ماه مبارک رمضان از مسجد به عنوان یک مرکز شورا و تبادل افکار استفاده نمودند. (احمدی ریشهری، ۱۳۸۲: ۲ / ۵۲۴ و ۵۲۵). کازرونی ها نیز که از جمله مهاجران سرشناس بوشهر در عصر قاجار بودند مساجد و اماکن مذهبی خاص خود را در بوشهر داشتند. مساجدی چون؛ مسجد شنبیدی، مسجد دوانی ها، و حسینیه کازرونی که در محله شنبیدی واقع بودند.

مهاجرت از بوشهر به کازرون

با نگاهی به تبدلات و تعاملات صورت گرفته میان کازرون و بوشهر در دوران قاجار زوایای ارتباطات دو سویه این دو شهر از نظر پیوندهای اجتماعی رخ داده میان طرفین مشخص و آشکار می گردد. علی رغم اینکه بوشهر در این مقطع به عنوان مقصد مهاجران داخلی نقش مهمی در شکل گیری اقلیت های گوناگون نژادی مختلف ایفا نمود اما قراین و شواهد تاریخی حاکی از مهاجرت برخی از مردمان بوشهر به ویژه آل مذکور به نواحی مختلفی از جمله شبانکاره، دیلم، دیر، دشتستان، شیراز و به ویژه کازرون است. از جمله افرادی از خاندان آل مذکور که به کازرون مهاجرت نمودند می توان به شیخ عبدالله فرزند سوم شیخ نصر اول اشاره کرد. به دلیل پیوند خانوادگی که میان شیخ عبدالله فرزند شیخ نصر و کلبعلی خان حاکم کازرون صورت گرفته بود وی بیشتر اوقات خود را در کازرون و برای سرکشی به زمین هایی می گذراند که از سوی مادر وارث آن ها شده بود. (مظفری زاده، ۱۳۹۴: ۲۵۷-۲۵۸) شیخ عبدالله فرزندان به نام های شیخ محمد خان و شیخ احمد خان داشته است که از احمد خان اطلاعات چندانی در



دست نیست ولی فرزند دیگرش شیخ محمد خانکه در عصر ناصرالدین شاه می‌زیسته است به مراتب از سایرین نام بردارتر است. محمدخان که فامیل ایزدی را برگزیده بود در فن شاعری و سخنوری نام بردار گشت و دیوان شعرش در تهران و بمبئی به چاپ رسید. شیخ محمد فرزندان با نام‌های؛ شیخ علی، شیخ نصر و بی بی عزرا ایزدی داشته است. از این میان شیخ نصر که وارث مایملک پدر بود صاحب فرزندان با نام‌های مصطفی، محمد و عبد الرسول ایزدی می‌شود که از میان این فرزندان پیوندهایی خانوادگی میان یکی از دختران مصطفی ایزدی با خانواده امیر عضدی که از فرزندان ناصر دیوان کازرونی به شمار می‌رود صورت گرفته است. (مظفری زاده، ۱۳۹۴: ۲۵۷ و ۲۵۸).

نتیجه گیری

روند تحولات گوناگون سیاسی و اقتصادی رخ داده در ایالت فارس که بوشهر را به عنوان کانون اصلی تجارت دریایی ایران در دوران قاجار مطرح ساخت. کازرون را نیز که از مهم‌ترین مناطق پس کرانه ای بوشهر محسوب می‌شد در چرخه تعاملات سیاسی و اقتصادی این بندر وارد ساخت. تبادلات کازرون و بوشهر که به دوران قرون نخستین اسلامی باز می‌گشت پس از پشت سر گذاشتن کشمکش‌های سالهای پایانی زندیه و همزمان با تثبیت قدرت در سلسله قاجار وارد مرحله نوینی از تاریخ خود شد. جاذبه تجاری بندر بوشهر به عنوان بندر اصلی ایران در خلیج فارس و کانون بازرگانی ایران که دروازه ارتباط با جهان آن روز بود شمار فراوانی از مهاجران کازرونی را به سوی این شهر جذب نمود. با بررسی روند رویدادهای تاریخی رخ داده در ایالت فارس و کازرون از سویی و از سوی دیگر بندر بوشهر به عنوان مقصد اصلی و کانون مهم جذب جمعیت در جنوب ایران و خلیج فارس، علل و عوامل مهمی را می‌بایست در این نقل مکان دخیل دانست که اهم این دلایل بسته به رخدادهای سیاسی و اجتماعی رخ داده در ایالت فارس و ولایت کازرون متغیر بوده است. اقدامات و عملکرد برخی از والیان فارس از یکسو و اقدامات پاره ای دیگر از حکام و خوانین کازرون در مقاطعی دیگر که در لافافه حفظ نظم اجتماعی به تمامیت خواهی‌ها و استبداد دامن می‌زدند و بر آسیب پذیری هرچه بیشتر بدنه اجتماعی منطقه می‌افزودند در پاره ای از مواقع موجب بروز هرج و مرج و رخت بر بستن رفاه و امنیت از منطقه کازرون می‌گردید. علاوه بر این عوامل دیگری چون؛ قحطی‌ها و خشکسالی را نیز می‌بایست مزید بر علت دانست. به هر روی مهاجران کازرونی که با استقرار در بندر بوشهر به مرور زمان با توجه به پیوندهای اجتماعی و خانوادگی صورت گرفته میان طرفین خوی و خوی ام بوشهری نیز گرفته بودند، در زمینه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، فکری و فرهنگی به فعالیت پرداختند که



در این میان حضور فعال در عرصه تجارت و بازرگانی و سرمایه گذاری در زمینه اقتصاد و تجارت بوشهر بیش از سایر زمینه ها نمود یافت.

منابع

- ابن بلخی (۱۳۷۴). *فارسنامه*، توضیح و تحشیه منصور رستگار فسائی، بنیاد فارس شناسی.
- ابن حوقل، ابراهیم بن محمد (۱۳۶۶). *سفرنامه*، ترجمه: جعفر شعار، تهران: امیر کبیر، ج ۲.
- اتابک زاده، سروش (۱۳۷۳). *جایگاه دشتستان در سرزمین ایران*، شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- احمدی ریشه‌ری، عبدالحسین (۱۳۸۲). *سنگستان*، ج ۱ و ۲، شیراز: انتشارات نوید شیراز، ج ۲.
- استفان رأی، گرمون (۱۳۷۸). *چالش برای قدرت و ثروت در جنوب ایران*، ترجمه مرحوم حسن زنگنه، قم: انتشارات همسایه.
- اشرف، احمد (۱۳۵۹). *موانع رشد سرمایه داری در ایران دوره قاجاریه*، تهران: انتشارات زمینه
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۷۳). *سلجوقیان و غزدر کرمان*، تهران: بی نا.
- تشکری، علی اکبر (۱۳۹۲). *یزد عصر صفوی*، یزد: انتشارات اندیشمندان یزد.
- ثواقب، جهانبخش (۱۳۸۵). *جغرافیای تاریخی بیشاپور و کازرون*، تهران: انتشارات کازرونیه.
- جهانی، ابوقاسم (۱۳۶۸). *اشکال العالم*، ترجمه: علی بن عبدالسلام کاتب، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- چیک، هربرت (۱۳۹۲). *گزارش های مستر چیک از رویدادهای فارس و بوشهر در جنگ جهانی اول*، ترجمه افشین پرتو، تهران: انتشارات همسو و دانشنامه استان بوشهر.
- حسینی (فرصت الدوله)، سید محمد نصیر (۱۳۶۲). *آثار العجم*، به کوشش علی دهباشی، تهران: انتشارات فرهنگ سرا
- حسینی فسایی، میرزا حسن (۱۳۸۸). *فارسنامه ناصری*، به کوشش منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر.
- حسینی کازرونی، سید احمد (۱۳۸۴). *سید محمدرضا تاجر کازرونی و خدمات او به بندر بوشهر*، تهران: کازرونیه.
- حق شناس، علی (۱۳۸۶). *بانیان سعادت*، بوشهر: انتشارات شروع.



- _____ (۱۳۸۹). «فراز و فرود شخصیت میرزا علی کازرونی»، در *لسان المله*، بوشهر: انتشارات دانشگاه آزاد واحد بوشهر.
- حقیقت، عبدالرفیع (۱۳۷۶). *فرهنگ تاریخی و جغرافیای شهرستان‌های ایران*، تهران: انتشارات کوشش.
- خیراندیش، عبدالرسول و تبریزنیا، مجتبی (۱۳۹۰). *پژوهشنامه خلیج فارس (دفتر اول و دوم)*، تهران: خانه کتاب.
- دو سفرنامه از جنوب ایران (۱۳۶۸). تصحیح و اهتمام علی آل داود، تهران: امیرکبیر
- رکن زاده آدمیت، محمد حسین (۱۳۴۹). *فارس و جنگ بین الملل*، ج ۱ و ۲، تهران: اقبال، چ ۲.
- _____ (۱۳۴۰). *دانشمندان و سخن سرایان فارس*، ج ۴، تهران: انتشارات اسلامیه و خیام.
- سپهر، احمد علی (۱۳۶۲). *ایران در جنگ بزرگ*، تهران: انتشارات ادیب.
- سدید السلطنه مینابی، محمدعلی خان (۱۳۶۲). *سفرنامه سدید السلطنه*، تصحیح و تحشیه احمد اقتداری، تهران: انتشارات بهنشر.
- سعادت، محمد حسین (۱۳۹۰). *تاریخ بوشهر*، تصحیح و تحقیق عبدالرسول خیراندیش و عمادالدین شیخ الحکمایی، تهران: انتشارات میراث مکتوب و نشر کازرونیه.
- سعیدی نیا، حبیب الله (۱۳۸۹). *گمرک بوشهر و نقش آن در تجارت خلیج فارس در دوره قاجار*، بوشهر: انتشارات دانشگاه خلیج فارس.
- _____ (۱۳۹۳). *معین التجار بوشهری و احیای تجارت دریایی خلیج فارس در دوران قاجار و پهلوی*، بوشهر: انتشارات دانشگاه خلیج فارس.
- شیرازی، شرف الدین عبدالله بن فضل الله (۱۳۷۲). *تاریخ و صاف*، تحریر عبدالحمید آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چ ۲.
- صداقت کیش، جمشید (۱۳۹۴). *مبارزات مردم فارس علیه پلیس جنوب*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- طباطبائی، سید جواد (۱۳۹۲). *تأملی درباره ایران*، ج ۱-۲، تهران: انتشارات مینوی خرد.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۹). *تاریخ اقتصادی ایران عصر قاجار*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر گستره، چ ۲.
- فراشبندی، علیمراد (۱۳۳۶). *تاریخ و جغرافیای برازجان یا سنگر مجاهدین*، ج ۱ و ۲، شیراز: انتشارات چاپخانه احمدی شیراز.



- فرای، ریچارد (۱۳۶۳). عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: انتشارات سروش
- فلور، ویلم (۱۳۸۹). بوشهر دروازه تجاری ایران در خلیج فارس، ترجمه غلامعلی تمهید، بوشهر: انتشارات شروع، دانشنامه استان بوشهر.
- _____ (۱۳۸۸). برازجان، ترجمه عبدالرسول خیراندیش، تهران: انتشارات آباد بوم.
- _____ (۱۳۶۵). جستارهایی از تاریخ ایران در عصر قاجار، ج ۲، ترجمه ابوالقاسم سری، انتشارات توس.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۹۲). جامعه کوتاه مدت، ترجمه: عبدالله کوثری، تهران: نشر مرکز، چ ۵.
- کاکس، سرپرسی (۱۳۸۶). مشروطیت جنوب ایران به روایت بالیوز بریتانیا در بوشهر، ترجمه مرحوم حسن زنگنه، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصرو بنیاد ایرانشناسی شعبه استان بوشهر.
- کتاب نارنجی؛ گزارش‌های سیاسی وزارت خارجه روسیه تزاری درباره انقلاب مشروطه ایران (۱۳۶۷). به کوشش احمد بشیری، ج ۱، تهران: انتشارات نور.
- لمبتون، آن (۱۳۸۲). تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران، ترجمه دکتر یعقوب آژند، تهران: نشر نی، چ ۲.
- لوریمر، ج. ج (۱۳۷۹). تاریخ و جغرافیای استان بوشهر، ترجمه مرحوم سید حسن نبوی، شیراز: انتشارات نوید.
- لهسایی زاده، عبدالعلی و عبدالنبی سلامی (۱۳۷۰). تاریخ و فرهنگ مردم دوان، تهران: انتشارات اطلاعات.
- مارتین، ونسا (۱۳۹۰). عهد قاجار، ترجمه حسن زنگنه، تهران: نشر ماهی.
- متی، رودلف (۱۳۸۷). اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی، ترجمه حسن زندیه، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- مشایخی، عبدالکریم (۱۳۸۶). خلیج فارس و بوشهر (روابط سیاسی و اقتصادی اروپا در سال‌های ۱۳۳۹-۱۳۰۸ هـ. ق/ ۱۹۲۰-۱۸۹۰ میلادی، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و بنیاد ایرانشناسی شعبه استان بوشهر.
- _____ (۱۳۸۱). بوشهر در انقلاب مشروطیت، تهران: انتشارات معاصر پژوهان و بنیاد ایرانشناسی بوشهر.
- مطهری زاده، موسی (۱۳۷۸). جنبش ضد استعماری جنوب و آزادیخواهان کازرون، تهران: انتشارات نشر قو.
- مظفری زاده، علیرضا (۱۳۹۴). حکمرانان بوشهر و بنادر جنوب (خاندان آل مذکور از ظهور تا سقوط ۱۱۴۸-۱۲۶۸ هـ. ق). تهران: بنیاد ایرانشناسی.

معتصد، خسرو (۱۳۶۶). حاج امین الضرب و تاریخ تجارت سرمایه گذاری صنعتی در ایران، تهران: انتشارات جانزاده.

نیستروم، گوستاو (۱۳۷۸). شاخه نبات، ترجمه افشین پرتو، بوشهر: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر.

وثوقی، محمدباقر (۱۳۸۰). تاریخ مهاجرت اقوام در خلیج فارس و ملوک هرمز، شیراز: انتشارات دانشنامه فارس.

هدایت، رضاقلی خان (۱۳۳۹). روضه الصفاى ناصری، ج ۸، قم: چاپخانه حکمت.

یاحسینی، سید قاسم (۱۳۸۸). خاطرات ماشاءالله کازرونی، تهران: انتشارات سوره مهر.

_____ (۱۳۹۱). رئیس علی دلواری؛ تجاوز نظامی بریتانیا و مقاومت جنوب، تهران: پردیس دانشگاه.

نشریات

روزنامه مظفری، نمره دوم، پانزدهم شوال ۱۳۱۹ هـ ق

روزنامه اصلاح، شماره اول، ۱۳۲۷ هـ ق

بوشهرنامه، ویژه تجارت و بازرگانی، بهار ۱۳۹۱، مؤسسه ورزشی شهرداری بندر بوشهر، شماره ۵.

روزنامه فرهنگ جنوب، شماره ۱۴۷، یکشنبه ۷ تیر ۱۳۸۸، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی

_____، شماره ۱۴۳۶، دوشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۸، بخش فرهنگ.

